

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مبانی، اصول و روش‌های فعالیت قرآنی

از منظر امام خامنه‌ای مدظله‌العالی

ویراست اول - اسفند ۱۳۹۹

تدوین:

پایگاه نَمُو

www.nomov.ir

اُنس تان با قرآن را روزبه روز بیشتر کنید.

جوانان ایرانی، جوانان مؤمن، جوانان انقلابی،
آشنایی تان با قرآن، اُنس تان با قرآن،
استفاده تان از قرآن را روزبه روز بیشتر کنید؛
این مایه‌ی قوّت شما است، این مایه‌ی اقتدار
شما است، این مایه‌ی عزّت شما است...

عقبات
۱۳۹۷/۰۲/۲۷



فهرست

مبانی:	۶
شناخت قرآن	۶
کتاب معرفت آموزی	۶
کتاب هدایتی	۶
کتاب ذکر و موعظه	۷
چرایی شناخت قرآن و عمل به آن	۷
کسب معرفت و نجات از جهل	۷
علاج درد ها و ضعف های بشر و امت اسلامی	۸
راه علو معنوی و سعادت دنیوی	۸
کسب نورانیت و معنویت	۹
آثار قرآن (جایگاه قرآن در امور فردی و اجتماعی)	۹
نورانی شدن قلب و معرفت افزایی	۹
استحکام درونی نظام اسلامی و قدرتمندی در حرکت به سوی اهداف آن	۱۰
تشکیل تمدن اسلامی و حاکمیت جهانی قرآن	۱۰
مستحکم بودن در مقابل قدرت های استکباری	۱۱
حیات طیبه (سعادت دنیوی و اخروی)	۱۱
وحدت و عزت مسلمین با محوریت قرآن	۱۲
رفع مشکلات و معضلات بشری	۱۳
اصول:	۱۴
آموزش قرآن:	۱۴
متن و الفاظ قرآن	۱۴
الف: روخوانی و روان خوانی و تجوید	۱۴
ب: صوت و لحن	۱۴
مفاهیم و معانی:	۱۶

الف: ترجمه و مفاهیم	۱۶
ب: مفاهیم موضوعی و کاربردی	۱۶
ج: تفسیر	۱۷
حفظ قرآن:	۱۷
الف: حفظ کل قرآن	۱۷
ب: حفظ آیات موضوعی و کاربردی	۱۸
تدبر در قرآن	۱۸
انس با قرآن	۱۹
اهمیت انس با قرآن	۱۹
فواید انس با قرآن	۱۹
ترویج قرآن	۲۰
تلاوت قرآن مقدمه انس عمومی	۲۰
گفتمان سازی مفاهیم قرآنی	۲۱
عمل به قرآن	۲۲
روش‌ها:	۲۴
آموزش قرآن	۲۴
متن و الفاظ قرآن:	۲۴
الف: روخوانی و تجوید	۲۴
ب: صوت و لحن	۲۴
آداب ظاهری	۲۴
آداب باطنی	۲۸
نکته‌ها:	۳۱
الف: یادگیری طبیعی و فطری	۳۱
ب: عدم خودبرتربینی و عجب	۳۲
ج: کار و تمرین منظم	۳۲
د: قلّه تلاوت	۳۲

ه: ضرورت استاد.....	۳۳
و: پرهیز از عادات غلط و غیر لازم.....	۳۳
مفاهیم و معانی:	۳۵
حفظ قرآن:	۳۶
تشویق به حفظ از سنین کودکی و دوران تحصیلی.....	۳۷
یاد دادن نکات لازم و مفید در راهکارهای حفظ.....	۳۹
انس باقرآن	۳۹
انس در اوقات فراغت	۳۹
انس در فضای خانواده	۴۰
انس دائمی و تلاوت روزانه	۴۰
انس در فضای مدرسه.....	۴۱
ترویج قرآن	۴۱
نقش تلاوت قرآن در ترویج قرآن:	۴۱
الف: القاء مفاهیم و مضامین قرآن	۴۱
ب: اهمیت قلّه های قرآنی.....	۴۲
ج: تلاوت های مجلسی	۴۳
محافل استماع قرآن	۴۵
گفتمان سازی معارف قرآنی	۴۶

مبانی:

شناخت قرآن^۱

کتاب معرفت آموزی

قرآن کتاب علم و معرفت است یعنی دل را و اندیشه‌ی انسانی را سیراب میکند - برای آن کسانی که اهل معرفت‌آموزی هستند یک سرچشمه‌ی تمام‌نشدنی است.^۲ قرآن برای فهمیدن و اندیشیدن است.^۳ بدانید در قرآن حکمت هست.^۴ ما همه چیز را تعلیم داده است.^۵ قرآن برای این است که جامعه اسلامی تکلیف خود را بفهمد؛ وظیفه خود را بفهمد؛ از حیرت نجات پیدا کند؛ از ظلمات نجات پیدا کند. این قرآن یک اقیانوس عظیم است. هرچه بیشتر جلو بروید، تشنه‌تر میشوید و علاقه‌مندتر میشوید و دل شما روشن تر میشود.^۶ قرآن یک دریای عمیق و یک بحر واسع است و نهایتی ندارد؛ هرچه پیش بروید - چه در سطح قرآن، چه در اعماق آن - همچنان امکان سیر و پیشرفت و حرکت وجود دارد.^۷

کتاب هدایتی

قرآن علاوه‌ی بر جنبه‌ی معرفتی و معرفت‌آموزی دستورات کاربردی دارد برای زندگی؛ یعنی محیط زندگی را آباد میکند، زندگی را از امنیت و سلامت و آسایش برخوردار میکند. «يَهْدِي بِهِ اللَّهُ مَنِ اتَّبَعَ رِضْوَانَهُ سُبُلَ السَّلَامِ»^۸ راه‌های سلامت را، راه‌های امنیت را، راه‌های آسایش در زندگی را به انسان‌ها نشان میدهد. انسان‌ها در طول تاریخ دست‌به‌گریبانِ ظلم و تبعیض و جنگ و ناامنی و لگدمال شدن ارزش‌ها بوده‌اند، امروز هم هستند؛ راه علاج اینها قرآن است.^۹ قرآن به معنای تلاوت کردن و اعتقاد داشتن فقط نیست؛ قرآن مجموعه نظام یک زندگی اجتماعی است؛ قرآن دستورالعمل یک حیات سعادت‌مندانه و زندگی توأم با عزّت است.^{۱۰} ما معارفی در قرآن داریم، مفاهیمی در قرآن داریم که این مفاهیم حقیقتاً سازنده‌ی زندگی مقتدرانه و عزّت‌مندانه‌ی امت اسلامی است؛ حقیقتاً مایه‌ی نجات امت اسلامی از گرفتاری‌ها است.^{۱۱}

۱ - البته شناخت حقیقت قرآن از اینکه کلام و فعل خداوند متعال است در حد عقل و بیان ما خارج است.

۲ - ۱۳۹۹/۲/۶ - ۲

۳ - ۱۳۸۸/۵/۳ - ۳

۴ - ۱۳۸۴/۷/۴ - ۴

۵ - ۱۳۸۳/۶/۲۶ - ۵

۶ - ۱۳۷۹/۸/۹ - ۶

۷ - ۱۳۷۰/۱۱/۱۷ - ۷

۸ - سوره مائده، آیه ۱۶

۹ - ۱۳۹۹/۲/۶ - ۹

۱۰ - ۱۳۷۶/۱۱/۹ - ۱۰

۱۱ - ۱۳۹۶/۲/۷ - ۱۱

قرآن، خودش را به زبان‌های مختلف تعریف میکند؛ از جمله این که میفرماید: «ان هذا القرآن یهدی للّتی هی اقوم»^۱؛ یعنی قرآن، انسان را به بهترین راه، بهترین کار، بهترین نظام، بهترین شیوه، بهترین اخلاق و بهترین روشهای عمل فرد و جامعه هدایت میکند. قرآن، همیشه زنده است. قرآن، نیازهای انسان را مورد توجه قرار میدهد. قرآن در هر عصری میتواند بهترین نسخه سعادت انسانها باشد.^۲

کتاب ذکر و موعظه

اگر با قرآن انس پیدا کنید، میبینید که دل و جان شما نورانی میشود. به برکت قرآن بسیاری از ظلمات و ابهام‌ها از قلب و روح انسان زدوده میشود. آیا این بهتر نیست؟ «یخرجهم من الظّلمات الی النّور»^۳ به وسیله قرآن است که خدای متعال میفرماید: «اللّهُ وَلِیُّ الَّذِینَ اٰمَنُوا یُخْرِجُهُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ اِلَی النُّورِ»^۴ به برکت قرآن است که انسان از ظلمات اوهام، اشتباهات، خطاها و غلطها، به نور هدایت راه پیدا میکند.^۵ کلام خدا، از هر موعظه‌ای بالاتر است. وقتی که ما احتیاج به موعظه داریم، کدام زبان رساتر و بلیغ‌تر و گویاتر از زبان کلام الهی است؟ قاری بخواند، ما هم بشنویم و بفهمیم و از موعظه لذت ببریم. «احی بالموعظة قلبک»^۶؛ دل را با شنیدن موعظه زنده کنید. هم قاری و هم مستمع باید بفهمند که چه خوانده می‌شود.^۷

چرایی شناخت قرآن و عمل به آن

کسب معرفت و نجات از جهل

ما در زمینه زندگی، در زمینه آینده، در زمینه تکلیف کنونی، در زمینه هدف از بودن و در بسیاری از زمینه‌های دیگر، خیلی از مسائل را نمیدانیم. بشر مشحون به جهالت هاست و قرآن برای انسان معرفت می‌آورد.^۸ هرچه در دنیای اسلام کمبود هست، بر اثر دوری از معارف الهی و معارف قرآنی است. حیات امت‌ها و ملت‌ها در آشنایی با معارف قرآن و عمل به مقتضای این معارف و عمل به احکام قرآنی است.^۹

۱ - سوره اسراء، آیه ۹

۲ - ۱۳۷۷/۹/۱

۳ - سوره بقره، ۲۵۷

۴ - همان

۵ - ۱۳۷۳/۱۰/۴

۶ - نهج البلاغه، نامه ۳۱

۷ - ۱۳۷۱/۱۱/۷

۸ - همان

۹ - ۱۳۹۰/۵/۱۱

علاج درد ها وضعف های بشر و امت اسلامی

علاج امت اسلامی این است؛ مقدمه و صراط مستقیمش همین قرآن کریم است.^۱ عزیزان من! بدانید که امروز دنیای اسلام محتاج قرآن است. در مضامین آیات سوره‌های آل عمران، بقره، انبیاء و احزاب، مطالبی وجود دارد که امروز علاج دردها و ضعفهای دنیای اسلام است. این که در روایت دارد: «و رجل قرأ القرآن فوضع دواء القرآن علی داء قلبه»^۲ این است که قرآن را فقط برای این که اسم و رسم بیاورد یا مشغولیتی برای خودش درست کنند، نخوانند؛ بلکه قرآن را به جهت این که درمان های اصلی از آن است بخوانند. داروی قرآن را روی درد جان و وجود و باطن خود بگذاریم و با قرآن این دردها را شفا دهیم.^۳ مشکلات هر جامعه‌ای با قرآن حل خواهد شد. با معارف قرآنی، مشکلات حل میشود. قرآن راه حل معضلات زندگی بشر را به فرزندان آدم هدیه میکند؛ این وعده‌ی قرآنی است و تجربه‌ی دوران اسلام هم این را نشان داده.^۴ امت اسلامی اگر از قرآن استفاده نکند و اعراض کند - کما اینکه متأسفانه در برهه‌های زیادی از تاریخ ما این اتفاق افتاده است - ضربه خواهد خورد، سیلی خواهد خورد؛ همچنان که خورد. ... این به خاطر عدم تمسک به قرآن است، به خاطر این است که ما این شفا را از دست داده‌ایم، این درمان را از دست داده‌ایم. «عِصْمَةُ لِمَنْ تَمَسَّكَ بِهِ وَ نَجَاةٌ لِمَنْ تَبِعَهُ»^۵ واقعیت است؛ قرآن این است. ما امروز [به قرآن] احتیاج داریم؛ هم در زندگی شخصی مان به قرآن احتیاج داریم، هم در زندگی اجتماعی، هم در سیاستمان، هم در سلوک حکومتی خودمان.^۶ اگر ما - امت بزرگ اسلامی - مفاهیم و تعالیم قرآن را محور تجمع خودمان قرار دهیم، وضع دنیا و وضع امت اسلامی عوض خواهد شد.^۷ ضعف ما امت مسلمان، عقب ماندگی ما، کج رفتاریهای ما، کج تابی های ما در مسائل اخلاقی و زندگی، همه‌ی این ها ناشی از دوری از قرآن است.^۸

راه علو معنوی و سعادت دنیوی

امروز همه بشر محتاج قرآنند؛ اما ما مسلمانان اگر به قرآن عمل نکنیم، خسارتان، بیشتر از دیگران است؛ چون ما این نسخه و این دستورالعمل را داریم، تجربه تاریخی آن را هم داریم.^۹ دنیای اسلام باید به فکر حفظ موجودیت اسلام و حفظ عزت امت اسلامی باشد. این، چگونه ممکن است؟ از راه قرآن.^{۱۰} ما بحمدالله هم قرآن را داریم، هم کلمات

۱ - ۱۳۷۹/۸/۱

۲ - اصول کافی، ج ۲، ص ۶۲۷

۳ - ۱۳۸۲/۸/۳

۴ - ۱۳۹۱/۴/۳۱

۵ - بحار الانوار، ج ۹۲، ص ۱۸۲

۶ - ۱۳۹۶/۲/۶

۷ - ۱۳۸۳/۶/۲۶

۸ - ۱۳۹۰/۵/۱۱

۹ - ۱۳۷۷/۹/۱

۱۰ - ۱۳۸۳/۶/۲۶

اهل بیت (علیهم‌السلام) را داریم؛ که «اَنْتِ تَارِكٌ فِیْکُمُ الثَّقَلَیْنِ»^۱ یا «اَنْتِ تَارِكٌ فِیْکُمُ الثَّقَلَیْنِ»^۲؛ دو چیز گران بها را در بین شما گذاشتم. هر دو بحمدالله در اختیار ما است؛ باید از این ها استفاده کنیم، جامعه را بر اساس این ها شکل دهیم.^۳ اگر در جوامع بشری قرآن حاکم باشد، هم سعادت دنیا هست، هم علو معنوی هست. راه سلامت را، راه امنیت را، راه امنیت روانی را قرآن به روی ما باز میکند؛ راه عزت را قرآن به روی ما باز میکند؛ راه زندگی درست را و سبک زندگی سعادت‌آمیز را قرآن به روی ما باز میکند. ما از قرآن دوریم. اگر با قرآن آشنا شویم، با معارف قرآن انس پیدا کنیم و فاصله‌ی خودمان را با آن چیزی که قرآن برای ما خواسته است، بسنجیم، حرکت ما سریع‌تر خواهد بود؛ راه ما روشن‌تر خواهد بود؛ هدف این است.^۴

کسب نورانیت و معنویت

در یک روایتی میفرماید: «إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ حَبْلُ اللَّهِ»^۵ - اینکه در قرآن دارد که «وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا»^۶؛ این حبل‌الله، همین قرآن است - «وَهُوَ النُّورُ الْمُبِیْنُ»^۷؛ خاصیت نور چیست؟ نور فضا را روشن میکند، راه را به انسان نشان میدهد، انسان قدرت بینایی پیدا میکند، بصیرت پیدا میکند؛ نور که نبود، چشم هم به کار نمی‌آید و فایده‌ای ندارد، چون جایی را نمیبیند. ما دارای عقل هستیم، دارای توانایی‌های گوناگون هستیم، دارای قدرت فکری هستیم، اما اگر نور نباشد، این ها نمیتواند به ما کمک کند؛ نور لازم است. این نور، قرآن است؛ «وَالشِّفَاءُ النَّافِعُ»^۸؛ [ما] مریضیم، بیماری داریم.^۹

آثار قرآن (جایگاه قرآن در امور فردی و اجتماعی)

نورانی شدن قلب و معرفت افزایی

قرآن مشعل اسلام و مشعل هدایت است. آن کسی که با قرآن مأنوس است، قلب و عملش، با آن کسی که با قرآن بی ارتباط است، فرق دارد. آن ملتی که با قرآن ارتباط دارد، با آن ملتی که با قرآن بی ارتباط است، متفاوت است.

۱ - المستدرک علی الصحیحین، ج ۳، ص ۱۶۱

۲ - کمال الدین، ص ۲۳۴

۳ - ۱۳۹۲/۴/۱۹

۴ - ۱۳۹۲/۳/۱۸

۵ - بحار الانوار، ج ۹۲، ص ۱۹

۶ - سوره آل عمران، آیه ۱۰۳

۷ - کنز العمال، ج ۱، ص ۵۱۷

۸ - بحار الانوار، ج ۹۲، ص ۱۹

۹ - ۱۳۹۶/۲/۷

امیرالمؤمنین فرمود: «و ما جالس هذا القرآن احد الا قام عنه بزيادة أو نقصان: زیادة فی هدی، أو نقصان من عمی»^۱؛ وقتی از کنار قرآن بلند میشوید، چیزی بر شما افزوده شده است، و آن هدایت است؛ و چیزی از شما کم شده است، و آن کوری و جهالت است.^۲

اگر با قرآن انس پیدا کنید، میبینید که دل و جان شما نورانی میشود. به برکت قرآن بسیاری از ظلمات و ابهام‌ها از قلب و روح انسان زدوده میشود. آیا این بهتر نیست؟ «یخرجهم من الظلمات الى النور»^۳. به وسیله قرآن است که خدای متعال میفرماید: «اللّٰهُ وَلِیُّ الَّذِیْنَ اٰمَنُوا یُخْرِجُهُم مِّنَ الظُّلُمٰتِ اِلَی النُّوْرِ»^۴. به برکت قرآن است که انسان از ظلمات اوهام، اشتباهات، خطاها و غلطها، به نور هدایت راه پیدا میکند.^۵

استحکام درونی نظام اسلامی و قدرتمندی در حرکت به سوی اهداف آن

نظام اسلامی و جامعه‌ی اسلامی با انس روزافزون با قرآن استحکام درونی پیدا میکند؛ و استحکام درونی آن چیزی است که جوامع را در راه‌های مطلوب خودشان و به سوی مطلوب‌های خودشان قادر می‌سازد و قدرت برخورد با چالش‌ها به جوامع میدهد.^۶

اگر ان شاء الله تلاوت قرآن در جامعه‌ی ما همگانی شود، همه بتوانند قرآن را صحیح بخوانند و همه‌ی خانه‌ها موج شوق به تلاوت قرآن را در خود جای بدهند، آن وقت ما امیدمان به اینکه جامعه‌ی اسلامی و قرآنی به معنای واقعی در این کشور تشکیل بشود، بیشتر خواهد شد.^۷

تشکیل تمدن اسلامی و حاکمیت جهانی قرآن

اگر حرکت به سمت قرآن، به شکل کاملی انجام گیرد، آن وقت این ملت همان خواهد شد که قرآن کریم خبر داده است: «لتكونوا شهداء على الناس»^۸؛ «کنتم خیرامة اخرجت للناس»^۹. تاریخ را مسلمانان به برکت قرآن عوض کردند؛

مردم مسلمان صدراسلام، یک عده از اقوام ضعیف ذلیل تو سری خور از همه چیز محروم بودند؛ اما قرآن آنها را به جایی رساند که سازنده‌ی تاریخ بشر شدند. بزرگترین تمدن‌ها را مسلمین، به برکت قرآن به وجود آوردند و به برکت قرآن، علم، فلسفه، اخلاق و تقریباً همه‌ی دانش‌های بشری را پیش بردند. مسلمانان اگر با قرآن انس بگیرند، سیادت دنیا را

۱ - نهج البلاغه، خطبه ۱۷۶

۲ - ۱۳۷۰/۱۱/۱۷

۳ - سوره بقره، آیه ۲۵۷

۴ - همان

۵ - ۱۳۷۳/۱۰/۱۴

۶ - ۱۳۹۳/۴/۸

۷ - ۱۳۸۵/۷/۴

۸ - سوره بقره، آیه ۱۴۳

۹ - سوره آل عمران، آیه ۱۱۰

در دست خواهند گرفت و دیگر این غاصب‌ها، این قدرت‌های استکباری، این حیوانات کراوات بسته‌ی به ظاهر انسان و در باطن وحوش، نمی‌آیند ادعای هدایت بشر و رهبری عالم را بکنند. بشر در سایه‌ی قرآن، رهبری خواهد شد.^۱

نظام اسلامی و جامعه‌ی اسلامی با انس روزافزون با قرآن استحکام درونی پیدا میکند؛ و استحکام درونی آن چیزی است که جوامع را در راه‌های مطلوب خودشان و به‌سوی مطلوب‌های خودشان قادر می‌سازد و قدرت برخورد با چالش‌ها به جوامع میدهد.^۲

مستحکم بودن در مقابل قدرت‌های استکباری

ملت ما که یک قدم با قرآن آشنا شده است، در مقابل قدرت‌های استکباری، سر برافراشته، دلش قرص و قوی است و در او، خوفی از آن قدرت‌ها نیست. اینها به برکت همین انس مختصر با قرآن و آشنایی و نزدیکی با قرآن است. این است تأثیر قرآن!^۳

هرچه ما به قرآن نزدیکتر شویم، دو اتفاق می‌افتد: یک اتفاق اینکه ما قویتر میشویم؛ اتفاق دوم اینکه دشمنان بین‌المللی ما، علیه ما بیشتر بسیج میشوند؛ خوب، بشوند. هرچه به سمت قرآن برویم، هرچه به قرآن نزدیکتر شویم، دشمنان بشریت بیشتر خشمگین میشوند؛ تهمت می‌زنند، دروغ می‌گویند، شایعه درست میکنند، فشار اقتصادی می‌آورند، فشار سیاسی می‌آورند، انواع و اقسام خباثت‌ها و ملعنت‌ها را با ملت ما میکنند - کمااینکه میبینید دارند میکنند - اما در مقابل، توان ما، قدرت تحمل ما، قدرت تأثیرگذاری ما روزبه‌روز بیشتر خواهد شد، مضاعف خواهد شد؛^۴

اگر به قرآن تکیه کردیم، از قرآن فرا گرفتیم، به قرآن تمسک کردیم، این تمسک به حبل‌الله است و تمسک به حبل‌الله موجب میشود که انسان بتواند مستحکم بایستد. [وقتی] شما از یک مسیری دارید عبور میکنید و یک دستاویزی هست که محکم به آن می‌چسبید، دیگر خطر سقوط وجود ندارد؛ حبل‌الله این است، اگر تمسک کردید، خطر سقوط از بین خواهد رفت؛^۵

حیات طیبه (سعادت دنیوی و اخروی)

بشریت در صدرِ اوّل به برکت عمل به قرآن، در علم، در اخلاق، در عمل و در پیشرفت‌های گوناگون مادی و معنوی، اوج پیدا کرد. قرآن و آیین اسلام، به انسان، هم علم میدهد، هم رفاه میدهد، هم عزّت میدهد، هم سکینه میدهد:

۱ - ۱۳۷۱/۱۱/۵ - ۱

۲ - ۱۳۹۳/۴/۸ - ۲

۳ - ۱۳۷۱/۱۱/۵ - ۳

۴ - ۱۳۸۹/۴/۲۴ - ۴

۵ - ۱۳۹۶/۲/۷ - ۵

«هو الَّذی انزل السَّکِیْنَةَ فی قُلُوبِ الْمُؤْمِنِیْنَ لِیُزَادُوا اِیْمَانًا مَعَ اِیْمَانِهِمْ»^۱؛ «فانزل الله سکینته علی رسوله و علی المؤمنین و الزمهم کلمة التَّقْوٰی»^۲. علاوه بر لذت دنیوی، رفاه مادی و قدرت علمی، سکینه و طمأنینه می‌دهد و آرامش می‌بخشد؛ و این در تاریخ تجربه شده است؛ امروز هم قابل تجربه شدن است.^۳

قرآن حیات طیبه را به ما وعده داده است: «فَلَنَحْیِیَنَّهٗ حَیَاةً طَیِّبَةً»^۴. حیات طیبه یعنی چه؟ زندگی پاکیزه یعنی چه؟ یعنی زندگی ای که در آن، هم روح انسان، هم جسم انسان، هم دنیای انسان، هم آخرت انسان تأمین است؛ زندگی فردی در آن تأمین است، آرامش روحی در آن هست، سکینه و اطمینان در آن هست، آسایش جسمانی در آن وجود دارد؛ فوائد اجتماعی، سعادت اجتماعی، عزت اجتماعی، استقلال و آزادی عمومی هم در آن تأمین است. قرآن اینها را به ما وعده داده است. وقتی قرآن میگوید: «فَلَنَحْیِیَنَّهٗ حَیَاةً طَیِّبَةً»، یعنی همه‌ی اینها؛ یعنی آن زندگی ای که در آن عزت هست، امنیت هست، رفاه هست، استقلال هست، علم هست، پیشرفت هست، اخلاق هست، حلم هست، گذشت هست. انسانها اگر طالب عدالتند و از ظلم بیزارند، راه مبارزه‌ی با ظلم را باید از قرآن فرا بگیرند. انسانها اگر طالب علمند و به وسیله‌ی معرفت و آگاهی و علم میخواهند زندگی را رونق ببخشند و راحت و رفاه را برای خودشان تأمین کنند، راهش به وسیله‌ی قرآن نشان داده میشود. انسانها اگر در پی ارتباط با خدای متعال و صفای معنوی و روحی و آشنائی با مقام قرب الهی هستند، راهش قرآن است. نقش قرآن این است که ما را از لحاظ ماده و معنا اعتلاء ببخشد؛ و این کار را قرآن میکند. کسانی که با تاریخ آشنا هستند، نمونه‌هایش را در تاریخ دیدند؛^۵

اگر آحاد بشر قواعد زندگی را با قرآن تطبیق بکنند، سعادت دنیا و آخرت نصیب آنها خواهد شد.^۶

وحدت و عزت مسلمین با محوریت قرآن

همه‌ی مسلمین، همه‌ی ملت‌های مسلمان در مقابل قرآن خاضعند؛ از قرآن میخواهند درس بگیرند؛ میخواهند خود را به قرآن نزدیک کنند. این خیلی فرصت مهمی است. دشمنان اسلام و دشمنان قرآن سعی کرده‌اند بین ملت‌های مسلمان فاصله بیندازند، آنها را از هم جدا کنند، گاهی حتی آنها را روبه‌روی هم قرار بدهند و دشمن هم وانمود کنند. این ناشی است از غفلت از قرآن. وقتی ملت‌های مسلمان، همه این کتاب آسمانی، این پیام آسمانی، این هدیه‌ی عظیم الهی را قبول دارند، چه چیزی بهتر از این وسیله‌ی اجتماع و اتحاد؟ همه بنشینیم سر این سفره‌ی معنوی؛ همه استفاده کنیم از این مایه‌ی عزت و قدرت اسلامی و الهی.^۷

۱ - سوره فتح، آیه ۴

۲ - سوره فتح، آیه ۲۶

۳ - ۱۳۷۹/۸/۹ - ۳

۴ - سوره نحل، آیه ۹۷

۵ - ۱۳۹۰/۵/۱۱ - ۵

۶ - ۱۳۹۹/۲/۶ - ۶

۷ - ۱۳۹۰/۴/۱۴ - ۷

رفع مشکلات و معضلات بشری

اگر ملتی عقیده‌ی به حق را، عقیده‌ی به قرآن و معارف اسلامی را همراه کرد با محبت، رنگ و بوی لطیف گل محبت است که میتواند اعتقادات عمیق را در عرصه‌ی زندگی انسان بارور کند. اگر این عقاید، این پایبندی‌های عقلانی، با محبت و با عواطف عجین و همراه شد، آن وقت عرصه، عرصه‌ی عمل قرآنی خواهد شد؛ توفیقات، روزافزون خواهد شد؛ پی‌درپی خواهد شد؛ ما دنبال این هستیم. اگر این محافل قرآنی بتواند دل‌های ما را فراتر از جنبه‌ی عقلانی، از جنبه‌ی عاطفی و علقه‌ی عشق و محبت، به قرآن نزدیک کند، مشکلاتی که بر سر راه جامعه‌ی اسلامی است، برطرف خواهد شد. هرچه ما به قرآن نزدیکتر شویم، هرچه عمل قرآنی در میان ما - چه در روح ما، چه در اعمال جسمانی ما، چه در فرد ما، چه در اجتماع ما - بیشتر شود، به سعادت، به حل مشکلات و معضلات نزدیکتر میشویم.^۱

عقده‌هایی که بر اثر چالش‌های موجود مادی دنیا در دل و جان انسان به وجود می‌آید، سرانگشت حکمت قرآنی میتواند همه‌ی این عقده‌ها را باز کند؛ این واقعیت است؛ دل‌ها را باز میکند، شرح صدر میدهد، امید میدهد، نور میدهد، عزم راسخ برای حرکت در صراط مستقیم میدهد.^۲

اصول :

آموزش قرآن :

متن و الفاظ قرآن

اگر یک ملّتی بخواهد به قرآن عمل کند، قدم اوّلش آشنایی با همین الفاظ و ظواهر قرآن است.^۱

الف: روخوانی و روان خوانی و تجوید

قدم اوّل برای عمل کامل به قرآن، آشنایی با متن قرآن است. قدم اوّل، یاد گرفتن متن قرآن است و این باید روز به روز زیاد شود.^۲ اینکه روخوانی قرآن بایستی تمام ملّت ما را شامل بشود. یک نفر [هم] باید در میان ملّت ما نماند که [وقتی] قرآن را باز کند، قادر نباشد به صورت صحیح بخواند؛ زن و مرد و کوچک و بزرگ و پیر و جوان، همه باید بتوانند قرآن را بخوانند؛ نمیشود در یک کشوری که بر مبنای اسلام دارد اداره میشود، ما قرآن را دست یک نفری بدهیم، بگویم بخوان، باز کند و نتواند بخواند؛ این نمیشود. همه باید قرآن را بلد باشند. البتّه این قدم اوّل است.^۳ روشهای تجویدی را فرا بگیرید. از این معلمان و اساتیدی که عمدتاً از کشور مصر آمده‌اند، هرچه ممکن است، استفاده کنید.^۴

ب: صوت و لحن

بایستی همه ی جهات، هم درست خوانی متن هم صداها، رعایت شود.^۵ این را عرض بکنم و تذکر بدهم، که اگر ما معتقدیم - که معتقدیم - که عمل به قرآن، اساس و محور احیاء قرآن است و مسئله به تلاوت و خواندن و اینها ختم نمی شود - که به آن اعتقاد داریم؛ معتقدیم باید به قرآن عمل کنیم، باید جامعه‌مان را قرآنی کنیم، باید فکرم‌ان را قرآنی کنیم، باید معلمان را قرآنی کنیم، باید قرآن را باور کنیم؛ قرآن را باور کنیم و وعده‌ی قرآن را وعده‌ی صدق و حق بدانیم، همین طور که خود قرآن میفرماید: «و تَمَّتْ کَلِمَةُ رَبِّکَ صَدَقًا وَعَدْلًا لَا مَبْدَلَ لَکَلِمَاتِهِ»^۶؛ همچنانی که باید تعاملمان با شخص خودمان، با افراد خانواده‌مان، با افراد محیط کارمان، با افراد اجتماعمان، با مسلمین کشورهای دیگر، با قدرتها، با ملتها و همه‌ی اینها باید با نفّس و روح قرآنی تنظیم بشود؛ اینها همه‌اش درست است و به آن اعتقاد داریم؛ احیاء قرآن، عمل به قرآن و گرامیداشت قرآن این است؛ اینها درست - اما اینها معنایش این نیست که ما تلاوت قرآن را دست کم بگیریم. من می‌خواهم به شما «قرآنی»ها - که اهل تلاوت، اهل تجوید و اهل لحن و آهنگ و صوت و خواندن قرآنید - این را تأکید کنم، گاهی شنیده میشود که بعضی میگویند آقا به قرآن باید عمل کرد؛ خوب، این حرف

۱ - ۱۳۶۸/۱۱/۲۰ - ۱

۲ - ۱۳۷۷/۹/۱ - ۲

۳ - ۱۳۶۸/۱۲/۴ - ۳

۴ - ۱۳۷۰/۱۱/۱۷ - ۴

۵ - ۱۳۸۳/۷/۲۵ - ۵

۶ - سوره انعام، آیه ۱۱۵

درستی است؛ اما مقصودشان این است که تلاوت قرآن و آرایه‌های قرآنی را دست کم بگیرند! من با این مخالفم. تلاوت قرآن هم جزو یک مجموعه و منظومه‌ای است که اینها همه به هم متصل است؛ این هم بایستی مورد توجه قرار بگیرد و گرمی داشته شود. پس اول باید خوب بخوانید؛ تلاوت را خوب، زیبا و جامع و صحیح بخوانید؛^۱

روایت دارد که : «امام سجاد علیه‌السلام - هم درباره امام سجاد علیه‌السلام دارد، هم درباره امام باقر علیه‌السلام - وقتی تلاوت میکردند، کسانی که از نزدیک محل تلاوت ایشان می گذشتند، زانوهایشان می لرزید و سست می شد و نمی توانستند حرکت کنند. می ایستادند تلاوت قرآن را گوش میکردند و وقتی حَظْ خودشان را می بردند، به راهشان ادامه میدادند.»^۲ تلاوت قرآن با صوت خوش و با آداب که شیوه خاصی دارد، موسیقی خاصی دارد، روش خاصی دارد، امور لازمی است. اینها انسان را نزدیک میکند؛ اما کافی نیست. اگر بخواهیم تشبیه کنیم، این طور میگوییم: قرآن را به صورت بنای مُعْظَمی، دارای سالنها و حجره‌ها و زوایای گوناگون و اعماق فراوان در نظر بگیرید. این عمارت وسیع و عظیم، سردر و مدخلی دارد. اگر آن مدخل را زیبا ساختیم، مردم برای ورود در آن عمارت، تشویق میشوند. مدخل آن بنای رفیع، همین تلاوتهای زیبایی است که این جا خواندند. کاشی کاری دَم در، این تلاوت است. حال وارد شوید. این کاشی کاری، بسیار لازم است. این زیباسازی تلاوت، امر لازمی است.^۳ تلاوت قرآن با صوت خوش و با لحن خوب و با آداب و رسوم تلاوت، مقدمه‌ای است برای نفوذ مفاهیم قرآن در دلها. اگر این فایده را [از آن] بگیریم و به تلاوت قرآن به عنوان یک خوش صدایی و یک آوازه خوانی فقط نگاه کنیم، مطمئناً از این رتبه‌ی والا سقوط خواهد کرد. این همه تأکید بر اینکه قرآن را با صوت خوش بخوانند و با آداب بخوانند و با الحان مطلوب بخوانند، برای این است که مفاهیم قرآن در دلها اثر کند، با قرآن انس بگیریم، به رنگ قرآن و به حُلُق قرآن و به شکل قرآن در بیاییم. اگر این مقصود است، پس یک شرایطی دارد، یک آدابی دارد. اولین ادب، این است که خواننده‌ی قرآن و تلاوتگر قرآن، با اذعان به قرآن، با باور مفاهیم قرآن، باور آن مفاهیمی که دارد تلاوت میکند، تلاوت کند. اگر ندانیم چه داریم میخوانیم، مفهوم را درک نکنیم، در عمق جانمان اثر نداشته باشد، [آن وقت] تأثیر تلاوتمان بر روی دیگران و بر روی خودمان کم خواهد بود؛ این شرط اول است.^۴ قرآن را باید با توجه خواند؛ توجه داشته باشیم که صرف تشکیل این اصوات مطلوب نیست؛ با توجه به معانی، با توجه به مرادات قرآنی باید قرآن را خواند؛ اگر این شد، آن وقت

۱ - ۱۳۸۵/۷/۴ - ۱

۲ - الإمام الصادق علیه السلام : كَانَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ ، أَحْسَنَ النَّاسِ صَوْتًا بِالْقُرْآنِ ، وَكَانَ السَّقَاوُونَ يَمْرُونَ فَيَقْفُونَ بِإِيَّاهِ يَسْمَعُونَ قِرَاءَتَهُ وَكَانَ أَبُو جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَحْسَنَ النَّاسِ صَوْتًا .

امام صادق علیه السلام: علی بن الحسین (زین العابدین) - که درودهای خدا بر او باد - خوش صداترین مردم در خواندن قرآن بود، به طوری که وقتی سقاها از در خانه او می گذشتند، می ایستادند و به صدای قرآن خواندن وی گوش می دادند. باقر علیه السلام نیز خوش صداترین مردم بود. اصول کافی، ج ۲، ص ۶۱۶

۳ - ۱۳۷۳/۱۰/۱۴ - ۳

۴ - ۱۳۹۴/۳/۲۸ - ۴

جامعه‌ی اسلامی راه خودش را پیدا میکند.^۱ [البته این قدم اوّل است] تلاوت قرآن و صوت قرآن، مقدمه برای معرفت مفاهیم قرآنی است. یک فضیلت بزرگ و یک ثواب است؛ اما این تلاوت وسیله‌ای برای رسیدن به معرفت است.^۲

مفاهیم و معانی:

الف: ترجمه و مفاهیم

... و کار دوم، رفتن به سمت فهم قرآن [است]؛ رفتن به سمت فهم قرآن. ما باید علاوه بر خواندن متن قرآن، ترجمه‌ی قرآن را هم یاد بگیریم.^۳ متأسفانه زبان ما زبان قرآن نیست. اما برای برداشتن حجاب ناهمزبانی، مقدمه‌ای لازم است.^۴ فهمیدن مفاهیم و ترجمه کلمه کلمه قرآن، برای کسانی که به زبان عربی آشنایی ندارند، لازم است.^۵ در کنار استفاده‌ی از متن قرآن و کلام معجز نشان آن، به مفاهیم و معارف قرآنی هم توجه بکنند.^۶

برادران من! این خواندن و تلاوت قرآن، قدم اول است، قدم آخر نیست. اول، آشنایی و انس با قرآن لازم است. بعد، مفاهیم قرآنی را به صورت سطور قطعی و مجسم برنامه‌ی زندگی در مقابل چشم نگه داشتن، تا ما را به این طرف و آن طرف نکشانند.^۷

ب: مفاهیم موضوعی و کاربردی

مردم باید همه‌ی آیات الهی را یاد بگیرند و یاد هم میگیرند، لیکن بعضی از مفاهیم قرآنی وجود دارد که دست استعمار سعی کرده است ماها را از آنها دور نگه بدارد. ما را از جهاد دور نگذاشتند. ما را از این که کفار نباید بر مسلمین مسلط باشند، دور نگذاشتند. ما را از آیاتی که وحدت مسلمین در آنها هست، دور نگذاشتند. همین آیاتی که الان تلاوت شد - «و ما ارسلنا من رسول الا لیطاع باذن الله»^۸ - و آیاتی که معنایش حاکمیت عملی اسلام بر زندگی جوامع است، بایستی همه‌ی مردم آنها را یاد بگیرند.^۹

۱ - ۱۳۹۳/۴/۸

۲ - ۱۳۷۹/۸/۹

۳ - ۱۳۶۸/۱۲/۴

۴ - ۱۳۷۱/۱۱/۵

۵ - ۱۳۷۷/۹/۱

۶ - ۱۳۷۰/۲/۶

۷ - ۱۳۸۳/۶/۲۶

۸ - سوره نساء، آیه ۶۴

۹ - ۱۳۷۰/۳/۱۶

ج: تفسیر

انس با تفاسیری که مراد از آیه را تبیین میکنند، خیلی لازم است.

خواندن قرآن، از اول تا آخر، یک چیز لازمی است. باید قرآن را از اول تا آخر خواند باز دوباره از اول تا آخر؛ تا همه‌ی معارف قرآنی یکجا با ذهن انسان آشنا شود. البته معلمینی لازمند تا برای ما تفسیر کنند، مشکلات آیات را تبیین کنند، معارف آیات و بطون آیات الهی را برای ما بیان کنند؛ انس با تفاسیری که مراد از آیه را تبیین میکنند، خیلی لازم است.^۱

حفظ قرآن:

البته حفظ قرآن، قدم بعدی است.^۲ مسأله‌ی حفظ را خیلی جدی بگیرید.^۳

باید وارد شوید و قرآن را حفظ کنید.^۴ حفظ قرآن خیلی مهم است. شما جوانها به این احتیاج دارید و میتوانید. وقتی شما حافظ قرآن هستید، این تکرار آیات قرآنی و انس دائمی با قرآن، به شما فرصت میدهد که در قرآن تدبّر کنید.^۵

البته؛ حفظ وسیله است. حفظ، هدف نیست. حفظ قرآن، وسیله است؛ وسیله است برای این که انسان، آسان بخواند، آسان تکرار کند و امکان تدبّر پیدا کند. جوانها بروند از استعدادشان، از حافظه‌شان استفاده کنند؛ بچه‌ها را، جوانها را بکشانید به سمت حفظ قرآن. بروند به سمت حفظ قرآن. وقتی که حفظ شد، حفظ حاصل شد، آن وقت توان و فرصت برای تدبّر بیشتر پیدا خواهد شد.^۶ وقتی حفظ باشد انس با تفسیر هم باشد و تدبّر باشد، همان چیزی که انتظارش در جامعه‌ی ما هست، پیش می‌آید: شکوفائی قرآنی.^۷

الف: حفظ کل قرآن

خواندن قرآن، از اول تا آخر، یک چیز لازمی است. باید قرآن را از اول تا آخر خواند باز دوباره از اول تا آخر؛ تا همه‌ی معارف قرآنی یکجا با ذهن انسان آشنا شود.^۸

۱ - ۱۳۸۹/۴/۲۴

۲ - ۱۳۶۸/۱۲/۴

۳ - ۱۳۶۹/۱۲/۱

۴ - ۱۳۷۳/۱۰/۱۴

۵ - ۱۳۸۵/۷/۴

۶ - ۱۳۹۰/۴/۱۴

۷ - ۱۳۸۹/۴/۲۴

۸ - همان

ب: حفظ آیات موضوعی و کاربردی

اگرچه همه‌ی آیات کریمه‌ی قرآن نور است، اما امروز جوانان به بخشی از آیات قرآن خیلی احتیاج دارند و آن، چیزهایی است که عزت اسلام و عزت جامعه‌ی اسلامی و توحید عملی جوامع اسلامی در آنهاست. جوانان ما در همه‌جای دنیای اسلام بایستی این گونه آیات را روان و حفظ باشند و از آنها درس بگیرند.^۱

تدبر در قرآن

آنچه که ما را به حقایق نورانی میرساند، تدبر در قرآن است.^۲ وقتی که کلمات قرآن را فهمیدید، آن وقت تدبر لازم است. حتی آن کسی که الفاظ عربی را هم خوب بلد است، اگر تدبر نکند، بهره کمی از قرآن خواهد برد. در قرآن، تدبر لازم است - تدبر یعنی اندیشیدن در مفاهیم قرآنی - این سخن عمیقی است، این سخن بزرگی است؛ باید در آن تدبر کرد. گوینده آن، ذات اقدس الهی است. کلمات آن هم مال ذات اقدس الهی است - یعنی الفاظش، نه فقط مفاهیمش - لذا بایستی در آن دقت کرد، باید آن را فهمید، باید در آن غور کرد.^۳

کسی که زبانش زبان قرآن هم هست تا تدبر نکند، نمی‌فهمد. قرآن را با تدبر باید فهمید. با تدبر می‌شود قرآن را فهمید؛^۴ عمق‌یابی مضامین قرآنی فقط با مراجعه‌ی به ترجمه نمی‌شود؛ کما این که با خواندن متن قرآن هم برای کسانی که می‌فهمند، همیشه به دست نمی‌آید؛ با تدبر به دست می‌آید؛ با عمق‌یابی به دست می‌آید.^۵ قرآن احتیاج دارد به تدبر، تکیه‌ی بر روی هر کلمه‌ای از کلمات و هر ترکیبی از ترکیبهای کلامی و لفظی. انسان هرچه بیشتر تدبر کند، تأمل کند، انس بیشتری پیدا کند، بهره‌ی بیشتری خواهد برد وقتی تدبر کرد، میتواند به معارف عالی دست پیدا کند و رشد پیدا کند.^۶

قرآن کتاب نور، کتاب معرفت، کتاب نجات، کتاب سلامت، کتاب رشد و تعالی و کتاب قرب به خداست. ما این خصوصیات را چه وقت از قرآن به دست می‌آوریم؛ برادران عزیز؟ همین که قرآن را در جیبمان بگذاریم کافی است؟ این که در هنگام سفر، از زیر قرآن رد شویم کافی است؟ امروز من می‌گویم، این که ما در جلسه تلاوت قرآن شرکت کنیم کافی است؟ این که حتی قرآن را با صدای خوش تلاوت کنیم یا تلاوت خوش را بشنویم و از آن لذت ببریم کافی است؟ نه. چیز دیگری لازم دارد. آن چیست؟ آن تدبر در قرآن است. باید در قرآن تدبر کرد. خود قرآن در موارد متعدد از ما می‌خواهد که تدبر کنیم.^۷

۱- ۱۳۷۰/۲/۶

۲- ۱۳۹۲/۴/۱۹

۳- ۱۳۷۷/۹/۱

۴- ۱۳۷۱/۱۱/۵

۵- ۱۳۸۴/۷/۱۴

۶- ۱۳۹۱/۴/۳۱

۷- ۱۳۷۳/۱۰/۱۴

تدبر در قرآن با همین‌طور خواندن و رد شدن به دست نمی‌آید؛ با یکبار و دوبار خواندن هم حاصل نمیشود؛ با تکرار و انس با آیه‌ای از قرآن و امکان تدبر در آن به دست می‌آید. و چقدر لطایف در قرآن کریم هست که اینها را جز با تدبر نمیتوان فهمید.^۱

و همین تدبر است که کلید است. کلید اصلی، همین تدبر در قرآن و فکر کردن در قرآن است.^۲

انس با قرآن

اهمیت انس با قرآن

عزیزان من! باید با قرآن انس پیدا کنید.^۳ عامه‌ی مردم باید با قرآن انس بگیرند؛ این انس، حرکت به سمت مفاهیم قرآن را تضمین میکند.^۴ با قرآن انس بگیریم، قرآن را باور کنیم و قرآن را بفهمیم.^۵ به قرآن باید نزدیک شویم.^۶ قرآن را بایستی از خودمان جدا نکنیم. دائم باید با قرآن مرتبط و مانوس باشیم. حالا در روایات دارد که هر روز لا اقل پنجاه آیه‌ی قرآن بخوانید. این، یکی از معیارهاست. اگر نتوانستید، روزی ده آیه‌ی قرآن بخوانید؛ نگوئید سوره‌ی حمد را میخوانم و این چند آیه‌ی سوره‌ی حمد با چند آیه‌ی سوره‌ی قل هو الله - یک رکعت - میشود همان ده آیه‌ای که فلانی میگوید. نه، غیر از آن قرآنی که در نماز میخوانید - چه نماز نافله، چه نماز فریضه - قرآن را باز کنید، بنشینید، با حضور قلب، ده آیه، بیست آیه، پنجاه آیه، صد آیه بخوانید.^۷ مستقیم از خود خدا بشنوید و کلام خدا را با دلهای خودتان آشنا کنید؛ دلها را مانوس کنید.^۸

فواید انس با قرآن

آن وقتی که انس عمومی با قرآن باشد، فهم قرآن ممکن و آسان است.^۹ انس با قرآن، معرفت عمومی یک کشور را بالا می‌برد.^{۱۰} انس با قرآن دلهای ما را با معارف قرآن آشناتر خواهد کرد.^{۱۱} اگر ملتی بتواند از طریق

۱ - ۱۳۸۵/۷/۴

۲ - ۱۳۹۰/۴/۱۴

۳ - ۱۳۷۹/۸/۹

۴ - ۱۳۶۸/۱۱/۲۰

۵ - ۱۳۸۵/۷/۴

۶ - ۱۳۹۱/۴/۳۱

۷ - ۱۳۸۶/۶/۲۲

۸ - ۱۳۸۷/۶/۱۲

۹ - ۱۳۶۹/۱/۱۹

۱۰ - ۱۳۷۰/۱۱/۳

۱۱ - ۱۳۹۰/۵/۱۱

انس با قرآن، خود را در فضای قرآنی قرار دهد، در فضای معرفتی قرآن قرار دهد، خواهد توانست مشکلات خود را برطرف کند.

من باز هم به جوانان عزیزمان توصیه میکنم که با قرآن انس بگیرید، با قرآن مجالست کنید. «و ما جالس هذا القرآن أحد إلا قام عنه بزيادة أو نقصان، زیادة فی هدی او نقصان من عمی»^۱؛ هر باری که شما با قرآن نشست و برخاست کنید، یک پرده از پرده‌های جهالت شما برداشته میشود؛ یک چشمه از چشمه‌های نورانیت در دل شما گشایش پیدا میکند و جاری میشود.^۲ انسان با انس با قرآن، در درون رشد پیدا میکند. باید در درون مستحکم بود؛ این استحکام درونی به برکت انس با قرآن حاصل میشود. انس با قرآن ایمان را تقویت میکند، توکل به خدا را زیاد میکند، اعتماد به وعده‌ی الهی را زیاد میکند، ترس و خوف از مشکلات مادی را در انسان کم میکند، انسانها را تقویت روحی میکند، اعتماد به نفس میدهد، راههای تقرب به خدا را برای انسان روشن میکند. فواید و منافع انس با قرآن در این بخش اینها است.^۳

ترویج قرآن

تلاوت قرآن مقدمه انس عمومی

ما اگر بخواهیم کل امت با قرآن انس بگیرند، باید تلاوت قرآن را در جامعه باب کنیم.

اگر امروز بذر انس با قرآن در بین جوانان پاشیده شود، سالها بعد نتیجه‌ی نهایی خودش را ظاهر خواهد کرد. امروز فقط نگاه می‌کنید و جوانانی را می‌بینید که صداها‌ی خوش، حنجره‌های قوی و استعداد‌های درخشان خود را در راه فهم قرآن به کار انداخته‌اند و شما لذت می‌برید. امروز فقط همین است. اما در آینده، وقتی که این موج روزبه‌روز وسیعتر و پیوسته‌تر شود و کار به جایی برسد که ان شاء الله عمده‌ی جوانان ما با قرآن انس بگیرند، آن وقت جامعه به هدفهای قرآن هم نزدیک خواهد شد و دل جوانان با قرآن آشنا خواهد گردید.^۴

۱ - نهج البلاغه، خطبه ۱۷۶

۲ - ۱۳۸۹/۴/۲۴

۳ - ۱۳۹۳/۴/۸

۴ - ۱۳۷۱/۱۲/۱۷

ما را برای مدتهای طولانی، به طرق مختلف از قرآن دور نگه داشتند. امروز ما میخواهیم فضای قرآنی داشته باشیم؛ باید به قرآن برگردیم.^۱

ما تلاوت برجسته‌ی قرآن را در این کشور دنبال میکنیم، برای این که انس با قرآن و تلاوت قرآن در بین مردم عمومیت پیدا کند.^۲

بنده به این تلاوتهای خیلی اعتقاد دارم. لیکن همه‌ی اینها مقدمه است؛ مقدمه برای حاکمیت فضای فرهنگی قرآن در ذهن جامعه‌ی ما. یعنی شما جوان مسلمان، مرد و زن مسلمان، کودکان مسلمان باید با قرآن انس پیدا کنید. قرآن را به معنای حقیقی مخاطب قرار گرفتن در مقابل خدا، بخوانید و در آن تدبر کنید و از آن بیاموزید.^۳

گفتمان سازی مفاهیم قرآنی

باید در کشور ما و در میان جامعه‌ی ما ترتیبی اتخاذ بشود که همه‌ی آحاد مردم به نحوی با قرآن انس داشته باشند و مفاهیم قرآنی برای اینها مفهوم باشد و معانی قرآن را درک کنند، به قرآن مراجعه کنند؛ ولو به طور اجمال از مفاهیم قرآنی سر در بیاورند. باید به اینجا برسیم.^۴ در جامعه، قرآن اصل است. امت حزب‌الله باید یواش‌یواش با قرآن آشنا بشوند؛ آن طوری که بتوانند مستقیم قرآن را از شماها گوش کنند و بفهمند.^۵ این است که اگرچه همه‌ی آیات کریمه‌ی قرآن نور است، اما امروز جوانان به بخشی از آیات قرآن خیلی احتیاج دارند و آن، چیزهایی است که عزت اسلام و عزت جامعه‌ی اسلامی و توحید عملی جوامع اسلامی در آنهاست. جوانان ما در همه‌جای دنیای اسلام بایستی این گونه آیات را روان و حفظ باشند و از آنها درس بگیرند.

الان در جوامع اسلامی، اسلام عملاً حاکم نیست؛ یعنی نه احکام اسلامی اجرا میشود، نه مالیات اسلامی هست، نه فرهنگ اسلامی در آنها ترویج میشود، و نه حکامی که در رأس کار هستند، با معیارهای اسلامی انتخاب میگردند. خیلی از اینها فسقه و فجرة هستند که قرآن آنها را قبول ندارد. آیا مردم در این کشورها

۱- ۱۳۸۲/۸/۶ - ۱

۲- ۱۳۸۴/۷/۱۴ - ۲

۳- ۱۳۸۶/۶/۲۲ - ۳

۴- ۱۳۹۳/۴/۸ - ۴

۵- ۱۳۷۰/۱/۲۲ - ۵

ملفتند که در یک نظام غیر اسلامی زندگی میکنند؟ آیا قرآن در این باره حرفی ندارد؟ چه کسی باید این را به مردم منتقل کند؟^۱

باید کاری کنیم؛ آن قدر تلاش کنیم که مفاهیم قرآنی جزو مفاهیم رایج و گفتمانهای عمومی ملت‌های مسلمان و کشورهای ما قرار بگیرد. برای اینکه این مفاهیم مورد عمل قرار بگیرد و تحقق پیدا کند، اول باید این مفاهیم را جزو بینات افکار جامعه‌ی اسلامی قرار داد و کاری کرد که برای جامعه‌ی اسلامی این مفاهیم قطعی و روشن بشود که هیچ چیزی جلوی آن را نتواند بگیرد. ما در این مرحله هنوز گرفتاریم، ما در این مرحله هنوز مشکل داریم؛ باید کاری بکنیم که این مفاهیم در جامعه‌ی اسلامی تبدیل بشود به مسلّمات فکری، به رایج‌ترین افکار مشترک بین همه‌ی قشرهای مردم؛ این کاری است که باید در زمینه‌ی قرآن انجام بگیرد.^۲

عمل به قرآن

یک مسئله، مسئله‌ی احترام ظاهری و پاسداشتن از حرمت قرآن است به معنای الفاظ قرآن، اصوات قرآنی؛ این در جای خود چیز محترم و مهمی است. مسئله‌ی بالاتر، تخلق به اخلاق قرآنی است؛ سبک زندگی را منطبق با قرآن قرار دادن، هدایت قرآن را باید در زندگی خود حاکم کرد.^۳ البته حرف زدن، آسان است؛ عمل کردن، سخت است؛ مجاهدت لازم دارد.^۴ سعی کنند برادرانی که در زمینه‌ی قرآن فعالیت میکنند، در عمل هم «کُونُوا دُعَاةَ النَّاسِ بِغَيْرِ السَّبْتِ»^۵ [باشند]؛ نشان بدهند که از لحاظ پایبندی به مقررات دینی، به ضوابط دینی جزو افراد برجسته هستند؛ این را نشان بدهند تا تأثیر قرآن در عمل آنها خودش را نشان بدهد: در ممشای عمومی، در سلوک، در بواطن، در ظواهر؛ ظواهر، ظواهر اسلامی؛ کیفیت برخورد، کیفیت اسلامی؛ اینها را مراعات بکنند. «الَّذِينَ إِذَا ذُكِرَ اللَّهُ وَجِلَتْ قُلُوبُهُمْ وَإِذَا تُلِيَتْ عَلَيْهِمْ آيَاتُهُ زَادَتْهُمْ إِيمَانًا»^۶؛ یک نشانی از این خصوصیات را برادرانی که با قرآن بیشتر مأنوس هستند، نشان بدهند. آنچه شما انجام میدهید - که امروز بحمدالله نشانه‌ی قرآنی، یک نشانه‌ی پرافتخاری است - برای جوانها و برای نوجوانها و برای مستمعین شما میتواند یک الگویی باشد؛ از شما یاد بگیرند. سعی کنید چیزهایی را از شما یاد بگیرند که موجب نزدیکی آنها به خدا باشد.^۷

۱ - ۱۳۷۰/۲/۶ - ۱

۲ - ۱۳۹۶/۲/۷ - ۲

۳ - ۱۳۹۲/۴/۱۹ - ۳

۴ - ۱۳۹۲/۳/۱۸ - ۴

۵ - بحار الانوار، ج ۶۷، ص ۳۰۹

۶ - سوره انفال، آیه ۲

۷ - ۱۳۹۳/۴/۸ - ۷

هدف این است که ملت ما به معنای حقیقی کلمه، قرآنی شوند. مگر می‌شود ملتی خود را مسلمان بداند، اما قرآنی نباشد؟ قرآنی شدن هم فقط به ظواهر و تلاوت آیات و مواردی که بیشتر چشم را می‌نوازد و در مقابل چشم می‌آید، نیست. قرآنی شدن به این است که ملت با قرآن آمیخته شود، به قرآن عمل کند و معرفت قرآنی را به‌طور کامل به دست آورد. ما امروز در دنیای اسلام، این ویژگی را کم داریم. اسم اسلام همه‌جا هست؛ تفاخر به اسلام همه‌جا هست؛ ادعای مسلمانی همه‌جا هست؛ اما آنچه ما به آن نیاز داریم، آمیخته شدن با معارف قرآن و عمل به قرآن است. این، مسلمانی واقعی است.^۱ عمل خودمان را باید قرآنی کنیم، الهی کنیم. به گفتن نیست، به زبان نیست، به ادعا کردن نیست؛ باید در عمل، در این راه حرکت کنیم و قدم برداریم. هر کدام از ما اگر در عمل این را متعهد شدیم، جامعه پیش خواهد رفت، جامعه قرآنی خواهد شد.^۲

مشکل بزرگ مسلمانان دنیا دوری از قرآن است؛ علاج هم برگشت به قرآن است. قرآن فقط برای تلاوت کردن در کنج و زوایا نیست؛ قرآن برای عمل است؛ عیب بزرگ کار ما مسلمانها، ما امت اسلامی این جاست که دم از قرآن می‌زنیم، اما به قرآن عمل نمی‌کنیم؛ دم از محبت خدا می‌زنیم، اما از دین خدا پیروی نمی‌کنیم. «قل ان کنتم تحبون الله فاتبعونی یحببکم الله»^۳. اگر کسی خدا را دوست میدارد، دلیل صدق او تبعیت از پیغمبر است؛ تبعیت از قرآن است.^۴

این جلسات مقدّمه است؛ این نشست‌وبرخاست‌ها و این آموزشها مقدّمه است؛ این خواندن‌ها و تلاوتها مقدّمه است؛ مقدّمه‌ی تدبّر کردن، فهمیدن، آگاه شدن و عمل کردن.^۵

مشکل ما این است که این کار را نمی‌کنیم؛ مشکل ما این است که ما زندگی را با قواعد قرآن تطبیق نمی‌کنیم؛ مثل کسی که به پزشک مراجعه میکند و نسخه‌ی پزشک را میگیرد لکن به آن نسخه عمل نمی‌کند. این مراجعه‌ی به پزشک بدون عمل کردن به نسخه اثری نخواهد داشت؛ امروز وضع ما این جوری است.

اگر به قرآن عمل کنیم همه‌ی این مشکلات برطرف میشود. یعنی جوامع بشری اگر به دستورات کاربردی قرآن عمل بکنند، بدون تردید از همه‌ی این مشکلات نجات پیدا خواهند کرد.^۶

۱ - ۱۳۷۱/۱۱/۵

۲ - ۱۳۹۱/۴/۳۱

۳ - سوره آل عمران، آیه ۳۱

۴ - ۱۳۷۹/۸/۹

۵ - ۱۳۹۷/۲/۲۷

۶ - ۱۳۹۹/۲/۶

روش‌ها:

آموزش قرآن

متن و الفاظ قرآن:

الف: روخوانی و تجوید

این روشهای تجویدی را فرا بگیرید. از این معلمان و اساتیدی که عمدتاً از کشور مصر آمده‌اند، هرچه ممکن است، استفاده کنید.^۱

ب: صوت و لحن

تلاوت فقط صدا نیست، بلکه فنون و شیوه‌های مختلفی دارد؛ چه شیوه‌های مربوط به ظاهر کار که همین نغمه‌سرایی‌ها و آهنگ‌های تلاوت است و چه شیوه‌های عمیق قرآن که مرحله‌ای باطنی‌تر از مرحله قبل است و آن آشنایی با مفاهیم آیات است.

خطاب من بخصوص به اساتید قرآن است: کاری کنید که این جوانان، تلاوت را با همان شرایطی که گفتیم - توجه به جنبه‌های ظاهری: نغمه‌ها و آهنگها؛ و توجه به مضمون - دنبال کنند و با توجه به مضمون، فراز و فرود و وصل و وقف و تکیه و تحریر و ... را هنگام تلاوت رعایت نمایند.^۲

آداب ظاهری

یکی از مسائل تلاوت ما، مسأله‌ی موسیقی تلاوت و این نغمه‌های صحیح تلاوت است، که اینها را بایست صحیح خواند. دیگر حالا مجال صحبت در این زمینه نیست؛ این هم بسیار مهم است. اینها هم یک روش و شیوه‌ی دارد که البته من حالا می‌بینم خیلی بهتر شده و سابقها این طور نبود. نغمه‌ها و آهنگهای قرآنی را بایستی فراگرفت. البته خیلی اش هم ذوقی است؛ این را هم عرض بکنیم؛ یعنی اگر کسی دارای ذوق هنری باشد، بدون این که بخواهد یاد بگیرد و نُت بخواند، خودش می‌فهمد که چه کار بایستی بکند؛ طبیعت ذوق قاری، او را می‌کشاند به یک آهنگ صحیح. هرچه بتوانید کمتر در این زمینه‌ها از این و آن تقلید بکنید، بهتر است.^۳

۱- ۱۳۷۰/۱۱/۱۷

۲- ۱۳۸۲/۸/۶

۳- ۱۳۸۳/۷/۲۵

قاری ما وقتی قرآن را تلاوت میکند، باید آنچنان تلاوت کند که گوئی قرآن را دارد نازل میکند به قلب مخاطب؛ اینجوری باید قرآن را بخوانید. البته این قراء معروف مصری، همه‌شان هم اینجور نیستند؛ بعضیهایشان اینجورند؛ بعضیهایشان هم نه؛ اما شما به آنها کاری نداشته باشید. شما باید قرآن را جوری تلاوت کنید که این مفاهیم قرآنی و آیات کریمه‌ی قرآن، گوئی دارد نازل میشود بر قلب مخاطب؛ آهنگها را با مضامین جفت کردن، منطبق کردن و از آهنگ برای برجسته کردن معنا و مضمون آیه کمک گرفتن. این آهنگها و این نغمه‌های قرآنی، مهمترین هنرش این است که بتواند کمک کند به اینکه آن مضمون برجسته شود و در ذهن مخاطب بنشیند. پس قرائت‌کننده‌ی ما هم بایست این نکات را توجه کند.

ما البته در باره‌ی موسیقی قرآنی، آهنگها و نغمه‌های قرآنی، لحن‌های قرآنی، توقف‌ها و قطع و وصل‌های در تلاوت، خیلی صحبت کرده‌ایم، حالا الحمدلله میبینم که در ذهن‌ها و در بیان‌های اهل قرآن این چیزها زیاد تکرار میشود. یا توجه به ترجمه که میبینم الحمدلله خیلی از این تلاوت‌کننده‌ها به ترجمه‌ها توجه میکنند و نکات را مورد نظر قرار میدهند، که دیگر آنها را تکرار نمی‌خواهیم بکنیم؛ لکن این نکته خیلی مهم است که تلاوت‌کننده‌ی قرآن قصدش اثرگذاری این کلام در ذهن مخاطب باشد؛ یعنی شما بخواهید دل ما را تکان بدهید. هدف این نباشد که ما خواننده را تحسین کنیم، بلکه هدف باید این باشد که خواننده دل ما را از جا بکند با این تلاوت؛ بخصوص با این آیات که امروز من از اول که نگاه میکردم، دیدم اغلب آیاتی که دوستان خواندند - حالا شاید هم تصادفاً - آیات توحیدی بود. این آیات را اگر همینطور که من گفتم بخوانید، شنونده دلش از جا کنده میشود. این تلاوت شما به قدریک کتاب استدلال توحیدی اثر میگذارد. اثر تلاوت خوب این است.^۱ این لحنها و آهنگها خوب است؛ اینها چیزهایی است که قرآن را در گوش و دل شیرین میکند و در نفوذ قرآن تأثیر میگذارد؛ منتها دو جور میشود این آهنگهای گوناگون را با این صداها خوب، اداء کرد: یکی اینکه صرفاً کسی خوانندگی میکند؛ این یک جور است؛ داریم توی این قراء معروف مصری - که حالا برجستگان قراء هستند - بعضی اینجوری اند؛ صرفاً خوانندگی است؛ خوب هم میخوانند، صداها هم خوب است، لحنها و آهنگها هم خوب است. یک جور دیگر این است که قرآن را به نحوی بخوانند - با همین صوته‌ها، با همین لحنها و آهنگها - که خشوع در دل ایجاد کند، دل را به یاد خدا بیندازد: «و اذا تليت عليهم اياته زادتهم ايمانا»^۲؛ این، حاصل بشود. انسان را به حالت خشوع

و تضرع نزدیک کند؛ اینجوری هم داریم. در همین قَرّاء معروفی که هستند، بعضیشان اینجور یاند؛ خواندنشان، خواندن خشوع است. باید این را رعایت کنند، بخصوص شما جوانها که بحمدالله هم صداهاى خوبى دارید، هم تسلط خوبى، هم میفهمم که این آیاتی را که میخوانید با معانی و مفاهیم آن آشنا هستید.^۱ من خواهش از قَرّاء محترم و اساتید و خوانندگان قرآن، این است که به این نکته توجه کنند؛ آن آیاتی را که میخوانند تلاوت بکنند، این آیات را در ذهنشان مرور کنند، در آنها تدبّر کنند، اعماق این مفاهیم را بدرستی در دل خود و در باور خود ثبت کنند؛ با این روحیه، با این زمینه، با این آمادگی تلاوت کنند؛ این تلاوت تا اعماق جان مخاطب اثر خواهد کرد.

شما میخواهید با تلاوتتان، مفاهیم قرآنی را به مستمع القاء کنید. درست است که غالب مستمعین شما عربی و زبان قرآن را نمیدانند، اما معجزه‌ی قرآن این است که اگر با همین وضعیّت هم - درحالی که آنها نمیدانند - این آیات را با عمق جان و با شرایط القاء کنید، مفاهیم ولو به نحو اجمال به ذهنها منتقل خواهد شد. خب، این طبعاً شرایطی دارد. بنده می‌شنوم تلاوتهایی را که پخش میکنند در رادیوی تلاوت - که فرصت خوبی است، امکان خوبی است برای شنیدن تلاوتها - و می‌شنوم آنچه را اساتید ما، قَرّاء خوب ما میخوانند. خب، انصافاً از لحاظ صوت خوش، قَرّاء ما خیلی خوبند، برجسته‌اند. این را قَرّاء بیگانه تصدیق کرده‌اند و تصدیق میکنند؛ شنفته‌ایم از آنها که اصوات ایرانی را تمجید میکنند. بعضی از اصوات شما انصافاً اصوات خوش‌ذات، خوش‌جنس و دارای شرایط خوب یک صدای برجسته است که این را باید همراه کرد با شرایط تلاوت.

یکی از شرایط تلاوت این است که این آیه‌ی قرآن را که تلاوت میکنید، بر روی نکاتی که در حال عادی اگر بخواهید آن را تفهیم کنید، روی آن تکیه میکنید، بر روی این نقاط حتماً تکیه کنید. اگر بخواهم تشبیهی بکنم، به این آقایان مدّاحی که شعر فارسی را میخوانند، می‌بینید هر کلمه‌ای را، هر مقصودی را که از یک جمله‌ای یا از یک کلمه‌ای یا از یک فقره‌ای مطلوب است، جوری ادا میکنند که آن مفهوم در ذهن مخاطب بنشیند. در حرف زدن عادی هم همینجور است. به شکل عادی هم که شما صحبت میکنید، آن کلماتی را که مفاهیم آنها از نظر شما یک برجستگی دارد - کلمات حامل آن مفاهیم را - با تکیه‌ی خاص ادا میکنید؛ قرآن را این جوری باید بخوانید؛ بر روی کلمات خاص تکیه کنید؛ جملات و فقرات را آن‌چنان که مضمون و معنای آن در ذهن مخاطب بنشیند ادا کنید؛ تعبیر خوب، ادای خوب. گاهی لازم است برای اینکه مطلب

در ذهن مخاطب مستقر بشود، آن جمله تکرار بشود؛ این تکرار را بکنید. بنده شاید چند سال قبل از این در همین جلسه انتقاد کردم از کسانی که زیادی آیات را تکرار میکنند. میخواهم عرض بکنم یک جاهایی تکرار لازم است، حتمی است. با یک بار خواندن، معنا منعکس نمیشود و باید آن را تکرار کرد؛ دو بار، سه بار، گاهی آیه را باید تکرار کرد، گاهی دو آیه و سه آیه را باید تکرار کرد. مقصودم این نیست که در این زمینه افراط انجام بگیرد. بعضی از خواننده‌های قراء مصری را دیدیم در این زمینه افراط میکنند؛ تأثیر منفی دارد. افراط منظوم نیست؛ اینکه ما ده بار یا هشت بار یک چیزی را تکرار کنیم، این مطلوب نیست. حالا شاید در آوازه‌خوانی‌های عربی این کار معمول است اما در قرآن‌خوانی این کار مطلوب نیست. اما تکرار به قدری که این مفهوم در ذهن مخاطب بنشیند، لازم است. گاهی اوقات انسان احساس میکند که قاری مثل اینکه همین‌طور یک کتابی را گرفته و دارد میخواند، عبارت را میخواند و دنبال میکند؛ این خوب نیست؛ مطلوب نیست. شما باید مفهوم را منتقل کنید و منعکس کنید به ذهن مخاطب؛ این گاهی با تکرار است، گاهی با تکیه است، گاهی با تکیه‌ی بر روی یک جمله است، گاهی تکیه‌ی یک کلمه است؛ این کار باید انجام بگیرد. یک نکته‌ی دیگری که مورد توجه باید قرار بگیرد، رعایت موازین لحن است. البته این الحان عربی، الحان قرآنی برای مردم ما و خوانندگان ما بیگانه است، اینها الحان مأنوسی نیست. لذا شما می‌بینید شعر فارسی را که میخواند، با آهنگ متناسب خودش میخواند؛ اگر همین آدم بخواهد یک شعر عربی را یا یک جمله‌ی عربی را بخواند، ممکن است نتواند آهنگ مناسب را انتخاب بکند؛ [چون] این الحان بیگانه است برای ما؛ الحان آشنا و مأنوسی نیست؛ مثل الحان فارسی و آهنگهای فارسی نیست. لکن الحان قرآنی به خاطر تکرار در بین اهل قرآن و اهل تلاوت یواش یواش مأنوس شده و [مردم] آشنا شدند؛ این الحان را درست باید ادا کرد. بنده گاهی میشنوم خواننده‌ای تلاوتهایی را با صدای خوش، با صدای بسیار خوب، صدایی که هم جنس خوبی دارد، هم قوت خوبی دارد، هم کشش و قدرت تحریر خوبی دارد، یک آیه‌ای را میخواند منتها لحن را رعایت نمیکند؛ رعایت لحن کلام، یعنی آن نظم آهنگ، آن چیزی که تلاوت شما بر اساس آن است، [لازم است]؛ قرآن را به طور معمولی نمیخوانید، با آهنگ میخوانید. شاید در همه‌ی ادیان - حالا تا آنجایی که بنده در بعضی ادیان توحیدی و حتی ادیان غیر توحیدی دیدم - متون مقدس را با آهنگ میخوانند؛ این را ما از نزدیک مشاهده کردیم. پس تلاوت را با آهنگ میخوانید، این آهنگ بایستی

درست ادا بشود. لحن بایستی با موازین خودش ادا بشود، والا اگر رعایت نشد، مطمئناً آن اثر مطلوب را نخواهد بخشید؛ گاهی اثر عکس میبخشد.^۱

آداب باطنی

در حین تلاوت، سعی نمایید به معانی آیاتی که می‌خوانید توجه کافی مبذول کنید. اگر چه این کار مشکل است؛ اما سعی کنید لااقل معنای بخشهای برگزیده‌ای را که در محافل و مجالس می‌خوانید - به عنوان قسمتهای زیبایی که هر قاری از این قبیل، برای این که در مکانهایی بخواند در چنته دارد - از روی ترجمه و تفسیر بخوانید. فرق است بین قاری‌ای که وقتی تلاوت می‌کند خودش متوجه معنا و تحت تأثیر معناست، و آن قاری‌ای که متوجه معنا نیست. بین قراء مصری دو، سه نفر هستند که وقتی می‌خوانند، تحت تأثیر معنایند. این که شما می‌بینید «مصطفی اسماعیل» خواندنش تأثیر دارد، به خاطر همین است؛ چون خود او تحت تأثیر آیاتی است که می‌خواند. اما بعضی قراء دیگر، نه. فقط صنعت اجرا می‌کنند و می‌خواهند کار زیبایی از آب درآورند. شما که قرآن می‌خوانید، سعی نمایید خودتان به معانی آیات آن توجه کنید. همان‌طور که روی الفاظ کار می‌کنید و مکرر می‌خوانید یا ضبط می‌کنید و گوش می‌سپارید، به معنایش هم توجه و دقت مبذول کنید و بیندیشید. اگر دستتان می‌رسد، به انسان با معرفتی مراجعه کنید و آیات را برایش مطرح نمایید. از آن فرد، چهار کلمه درباره‌ی آیاتی که می‌خوانید بشنوید، تا دل شما تحت تأثیر قرار گیرد. این کار، لطف تلاوت شما را چند برابر خواهد کرد.^۲ شما که قرآن را تلاوت میکنید، حتماً ترجمه‌ی آن قسمتی را که می‌خوانید، بدانید. و بدانید بدون دانستن ترجمه‌ی قرآن، قادر به یک تلاوت خوب نخواهید بود. من مکرر به برادرانی که اهل تلاوت قرآنند، یادآور شده‌ام: شما نمیتوانید یک تلاوت خوب بکنید درحالی که نمیدانید کجا باید وصل کنید، کجا باید وقف کنید، کجا را مناسب است با چه لحنی بخوانید. در حرف زدن معمولی هم شما صدایتان را بالا می‌برید، پایین می‌آورید، بر تأثیرگذاری سخن می‌افزایید؛ اینها لازمه‌ی کلام است. وقتی قرآن را تلاوت میکنید، باید بتوانید این کارها را بکنید؛ [این هم] بدون اطلاع نمیشود.^۳ برادران مسؤول در جلساتی که قاری‌ها می‌خوانند، ترتیبی بدهند که مردم بتوانند ترجمه‌ی آیاتی را که تلاوت می‌شود، در همان حین تلاوت بفهمند. این، خیلی اثر می‌کند. در روایات می‌فرماید:

۱ - ۱۳۹۴/۳/۲۸ - ۱

۲ - ۱۳۷۱/۱۲/۱۷ - ۲

۳ - ۱۳۶۸/۱۲/۴ - ۳

«مؤمنین وقتی که آیات عذاب را مرور می‌کنند، اشک خوف می‌ریزند و وقتی آیات بهشت را مرور می‌کنند، اشک شوق می‌ریزند.»^۱ این، بدون فهمیدن که امکان ندارد.

قرآن‌های ترجمه‌دار، یا دستگاه‌هایی درست کنند که وقتی قاری آیه را می‌خواند، همزمان، ترجمه‌ی آن آیه بر صفحه‌ای نوشته شود و همه آن را ببینند و بتوانند بفهمند؛ یعنی ضمن این که از صوت زیبای قاری لذت می‌برند، از معانی آیات کریمه‌ی قرآن هم لذت معنوی ببرند. بنده تأسف می‌خورم که شما برادران و خواهران که عاشق قرآن هستید غالباً از مفاهیم قرآن بهره‌ی زیادی نمی‌برید. حتی خود قراء هم این گونه‌اند! این، برای ما خیلی مایه‌ی غصه و تأسف است. من عرض کرده‌ام؛ الان هم مجدداً تکرار می‌کنم: برادران قاری، هر آیه و هر قسمت از سوره‌ای را که می‌خواهند بخوانند، حتماً سعی کنند معنا و ترجمه‌ی آن قسمت را یاد بگیرند. این، در تلاوت تأثیر می‌گذارد. وقتی شما معنا را می‌دانید یک‌طور حرف می‌زنید و وقتی نمی‌دانید طور دیگری حرف می‌زنید. بفهمید که چه موضوعی را به مخاطبینتان می‌گویید. طوری بشود که: «اذا ذکر الله و جلت قلوبهم و اذا تلیت علیهم آیاته زادتهم ایماناً»^۲ باید این‌طور شود که ذکر خدا، در تلاوتها و فهم آیات خدا، دلها را منقلب کند. این، از هر موعظه‌ای بهتر است. کلام خدا، از هر موعظه‌ای بالاتر است. وقتی که ما احتیاج به موعظه داریم، کدام زبان رساتر و بلیغ‌تر و گویاتر از زبان کلام الهی است؟ قاری بخواند، ما هم بشنویم و بفهمیم و از موعظه لذت ببریم. «احی بالموعظة قلبک»^۳؛ دل را با شنیدن موعظه زنده کنید. هم قاری و هم مستمع باید بفهمند که چه خوانده می‌شود..

بنده آن سالهایی که در غربت و زیر فشارهای فراوان دوران اختناق رژیم فاسد گذشته، با قرآن سروکار داشتم، در همان محدوده‌های کوچکی که در مشهد دنبال می‌کردم، در پی این بودم که کاری بکنیم که مستمع تلاوت قرآن، قرآن را بفهمد. گاهی می‌شد که جلو مستمعین می‌ایستادم و نیم ساعت، سه ربع ساعت، آیاتی را ترجمه می‌کردم. بعد یک قاری می‌آوردیم که در عرض پنج دقیقه، همان آیات را می‌خواند. سه ربع ساعت تلاش می‌کردیم، برای این که مستمع، در پنج دقیقه، معنای آیه‌های قرآن را بفهمد. امروز بحمدالله امکانات هست. آن روز، ما امکاناتی نداشتیم. تنها و غریب و زیر فشار بودیم. امروز که بحمدالله امکانات در اختیار ماست، کاری کنید که مستمع قرآن، معنای قرآن را بفهمد. شرط کنید برقراری قرآن که

معنای آنچه را می‌خواند، بفهمد. به برادران نوجوانی که قرآن را می‌خوانند یا حفظ می‌کنند - با این استعدادهای خوبی که بحمدالله دارند - تأکید کنید که باید معنا و ترجمه‌ی آن قسمت از قرآن را که می‌خوانند و یا حفظ می‌کنند، بفهمند. من بارها این را از جوانان خواسته‌ام و بسیاری هم اقدام کرده‌اند. هرچه تلاوت کردید، ترجمه آن را هم نگاه کنید؛ بگذارید این مفاهیم در ذهن جوان شما حک شود. در آن صورت فرصت تدبّر پیدا خواهید کرد.^۱ یک اشکال بزرگ در تلاوتهای ما - که حالا بحمدالله دارد اصلاح می‌شود - عدم توجه قاری و تلاوت کننده به مضمون آیه‌ی است که می‌خواند. وقتی شما با مضمون آیه کاملاً آشنا بودید، خود شما در هنگام خواندن تحت تأثیر قرار می‌گیرید و نفس این تحت تأثیر قرارگرفتن شما، هم در لحن و هم در صدا و هم در نغمه و هم حتی در حرکات ظاهری شما اثر می‌گذارد و روی مخاطب و جلسه هم تأثیر می‌گذارد. نظیر این موضوع را در خواننده‌های شعر فارسی و مداحهایی که خوش صدا هستند و در بعضی از جلسات می‌خوانند، دیده‌اید؛ شعر خوبی که می‌خواند، خودش تحت تأثیر صدای خودش قرار می‌گیرد و لحن او تحت تأثیر این خودتأثیری قرار می‌گیرد و نافذتر و شیرین‌تر و دلنشین‌تر می‌شود؛ عیناً در قرآن خواندن هم همین‌طور است. بعضی از خواننده‌های مصری هم که این جهت را بیشتر رعایت می‌کنند، لحنشان دلپذیرتر و دلنشین‌تر است. این یک نکته است که باید مورد توجه قرار بگیرد و این، در وقف و ابتدا و مسائلی از این قبیل هم تأثیر می‌گذارد.^۲ تلاوت این است که انسان مثل مثل یک مستمعی بنشیند پای صحبت خدای متعال. خدای متعال دارد با شما حرف می‌زند. مثل اینکه از یک عزیزی، از یک بزرگی، نامه‌ای به شما رسیده باشد. شما نامه را می‌گیرید می‌خوانید. برای چه می‌خوانید؟ برای اینکه ببینید چه برای شما نوشته. قرآن را اینجوری بخوانید. این نامه‌ی خدای متعال است. امین‌ترین زبانها و دلها این قرآن را از خدای متعال گرفته و به شما رسانده است. ما از آن استفاده کنیم؛ بهره ببریم؛ لذا در روایت هست که سوره را وقتی که می‌خوانید، همت شما این نباشد که به آخر سوره برسید، همت شما این باشد که قرآن را بفهمید؛ ولو حالا به آخر سوره، به وسط سوره، وسط جزء، به وسط حزب نرسید و آن را تمام هم نکنید؛ تأمل و تدبر کنید. قرآن را اینگونه بخوانید. اگر کسی با قرآن مأنوس بشود، از قرآن دل نمیکند. اگر ما با قرآن مأنوس بشویم، حقیقتاً از قرآن دل نمیکشیم.

جوانها هم اگر معنای قرآن را - چون با عربی آشنا نیستند - نمیدانند، از این قرآنها با ترجمه که امروز بحمدالله متنوع و متکثر و متعدد هم هست، ببرند، همین‌طور که آن خواننده دارد قرآن را می‌خواند، آیات را

خط ببرند و ترجمه‌ها را نگاه کنند، استفاده کنند، بفهمند.^۱ قرآن‌خوان‌های ما با مفاهیم قرآن آشنا شوند و بفهمند که چه میخوانند. این، به خواندن آنها هم کمک میکند، به زیبایی تلاوت هم کمک میکند و به تأثیر نفس آنها هم کمک میکند.^۲

نکته‌ها:

الف: یادگیری طبیعی و فطری

الان شاید ده‌ها هزار جوان در سنین کم هستند که بدون اینکه یک درس و کلاس مشخصی هم داشته باشند، تلاوت قرآن میکنند. اینها همین نوارهای اساتید را گوش کرده‌اند و بتدریج رشد کرده‌اند و الان به برکت همین، یک قشر و یک طبقه‌ی خوبی به وجود آمدند که خودشان هم استادند؛ یعنی از همین طریق استاد شدند؛ یعنی بدون اینکه کلاس و دوره‌ای دیده باشند، بتدریج با استماع و دقت و مطالعه‌ی کتابهای قرائت، استاد شدند.^۳

شما برادران باید بر حسب استعداد و طبیعت و فطرت خود و گوش کردن نوارهایی که از قراء معروف می‌آید، این فنون را یاد بگیرید.^۴

کأنه تجوید دارد جزو طبیعت قرآنیون ما میشود؛ این فایده‌ی محیط قرآنی است. من یادم هست پیش از انقلاب که ما در مشهد جلسات قرآن داشتیم - این برادرانی که در این جا تشریف دارند، اکثرشان یا خیلی شان در آن جلسات بودند - گاهی اوقات برای آن که این قاری ادای یک حرف یا ادای تجویدی را به شاگرد بیاموزد؛ مثلاً یک تفخیم و یا یک ترقیق بجا را یاد بدهد، جلساتی وقت صرف میشد؛ اما این طرف هم با آن که جوان بود، یاد نمیگرفت، یا به زحمت یاد میگرفت؛ مگر کسانی که استعداد داشتند؛ چون محیط، محیط تلاوت قرآن نبود و این صوت با گوشها انس نداشت؛ باید کسی در آن جلسات مدتها میماند، تا یواش یواش به این سبک خواندن مأنوس میشد و میتوانست درست ادا کند. امروز این طور نیست؛ انسان میبیند که این نوجوان این طور بخوبی تلاوت میکند و صدای صاد و ضاد و طاء و ظاء را مثل خود عرب‌زبانها ادا میکند؛ گویا اصلاً او عرب متولد شده است! این قراء عربی که به این جا می‌آیند، مکرر به من میگویند که ما تعجب میکنیم که قاریان شما چه طور این کلمات و حروف را - که صدایش با زبان‌شان بیگانه

۱- ۱۳۸۷/۶/۱۲

۲- ۱۳۸۳/۶/۲۶

۳- ۱۳۶۸/۱۱/۲۰

۴- ۱۳۷۰/۱/۲۲

است - ادا میکنند! این برای چیست؟ برای آن است که محیط، محیط تلاوت قرآن شده است. ما سالهای متمادی این حرف را تکرار میکردیم که اگر جریان به سمتی حرکت کرد، تربیت آسان میشود؛

ب: عدم خودبرتربینی و عجب

نکته‌یی که بنده می‌خواهم روی آن تأکید بکنم، این است که همه - چه افراد سابقه‌دار، چه افراد متوسط، و چه افراد تازه‌کار و تازه وارد میدان شده - باید احساس کنند این جایی که هستند، بالاترین نیست؛ جاهای بالاتری هم وجود دارد؛ باید سعی کنند آن‌جاها را تصرف و قبضه کنند؛ بنابراین رشد باید متوقف نشود. این جوانانی که با تشویقها مواجه میشوند و بجا هم تشویق میشوند باید متوجه باشند که این تشویق‌ها نباید آنها را به اشتباه بیندازد؛ خیال کنند که دیگر حالا یک قاری شده‌اند! نه، هنوز خیلی کار دارد؛ هنوز این بسم‌الله الرحمن الرحیم است؛ و این هنوز ابجد این میدان عظیم است؛ این شروع کار است؛ منتها شروع بسیار خوبی است. اگر بخواهیم این شروع را با مثلاً شروع آقای شحات انور مقایسه کنیم، این شروع، بهتر از شروع شحات انور است؛ به شرط این که مرتب زحمت مناسب بکشند.

ج: کار و تمرین منظم

البته منظور این نیست که حنجره را خسته کنند و دائماً این طرف و آن طرف بروند و مرتب از اینها کار نمایی بکشند؛ این هم درست نیست؛ من با این کار موافق نیستم. کار باید واقعاً منظم باشد؛ البته نمایش هم مقداری در کار منظم جا دارد. اگر ایشان پانزده سال کار منظم و خوب بکنند، از این آقایی که حالا از او تقلید میکنند، بهتر خواهند خواند؛ اما اگر بخواهیم الان را مورد قضاوت قرار دهیم، تفاوت زیادی وجود دارد

د: قله تلاوت

بینید، ما احتیاج داریم که در داخل کشور قرآنی پیدا بشوند که در قرائت صاحب سبک باشند؛ حالا به همین قرائت مشهوری که ما می‌خوانیم - که قرائت «حفص» باشد - یا در کنارش هم قرائت‌های دیگری که مثلاً در شمال آفریقا معمول است. این که شما می‌بینید مصریها دائماً قرائت «ورش» و «قالون» را می‌خوانند، به این دلیل است که این دو قرائت در آن‌جاها رایج است. مثلاً در لیبی و الجزایر و تونس، قرائت «ورش» در مکتبخانه‌ها تدریس میشود، نه قرائت «حفص». البته در دنیای اسلام قرائت «حفص» - همین قرائتی که حالا معمول ماهاست و آن را می‌خوانیم - معروفتر است. من موافقم که برادران قرائتهای دیگر - بخصوص قرائات معروف؛ مثل قرائت «ورش» - را یاد بگیرند و بخوانند. ما باید به آن‌جا برسیم

که وقتی قاری ما شروع به خواندن میکند، کیفیت ادا و بیان کلمات قرآنی توسط او به‌گونه‌یی باشد که حضار به‌همان اندازه که با زبان عرب آشنا هستند، تحت تأثیر قرار بگیرند؛ که هدف اصلی قرائت هم این است. شما که الحمدلله صدا و تجوید و قرائتتان خوب است، باید تلاش کنید به آن‌جا برسید که مثل شیخ مصطفی اسماعیل - که این آقایان قزایی که به این‌جا می‌آیند، کمتر مثل او می‌خوانند - بتوانید کلام خدا را آن‌چنان ادا کنید که مستمع به همان اندازه‌یی که ظرفیت دارد، تحت تأثیر کلام الهی قرار بگیرد و آن فضا را احساس کند. شما باید در این زمینه صاحب سبک بشوید و دیگر مقلد این و آن هم نباشید؛ این آن حد‌اعلائی است که فعلاً مورد نظر ماست؛ این زحمت و تلاش و نوآوری لازم دارد.^۱

ه: ضرورت استاد

هرکه چیزی یاد گیرد باید از استاد گیرد

خودرو بار آمدن، اتلاف منابع و اتلاف استعدادها را به دنبال دارد؛ وقتی انسان خودرو بیاید بالا، استفاده بهینه از استعدادش نمی‌شود.^۲

و: پرهیز از عادات غلط و غیر لازم

یک نکته‌ای را من عرض بکنم؛ شما همه تقریباً قراء هستید که اینجا تشریف دارید؛ یکی از چیزهایی که رایج شده است در بین قراء عرب - این مصری‌ها و دیگران - و از آنجا به داخل کشور ما منعکس شده است، اهمیت دادن به نفس بلند است. من نمی‌فهمم وجه این کار چیست؛ هیچ لزومی ندارد که ما کلمات قرآن را، گاهی آیات را به همدیگر وصل کنیم به‌خاطر اینکه نفس می‌خواهیم بدهیم؛ به نظر من هیچ لزومی ندارد. یک وقتی لازم است و ادای مفهوم آیه متوقف به این است که با یک نفس خوانده بشود، خب بله، این کار را بکنند والا زیبایی تلاوت و تأثیرگذاری تلاوت به‌هیچ‌وجه وابسته به نفس بلند نیست؛ که حالا بعضی از قراء معروف مصری هنرشان در این است که با نفس بلند [بخوانند]؛ مستمعین هم عوامانه وقتی با نفس بلند می‌خوانند، بیشتر تشویق میکنند و الله، الله می‌گویند. به نظر من، هم کار این [قاری] غلط است، هم کار آن مستمع غلط است. ما در بین قراء خوب مصری، قراء برجسته‌ی مصری کسی یا کسانی را داریم که نفسشان کوتاه است، هم خواندنشان خیلی خوب است، هم تأثیرگذاری‌شان خوب است؛ از جمله عبدالفتاح شعشاعی. شما میدانید نفسش کوتاه است اما درعین حال یکی از بهترین و اثرگذارترین

تلاوتها - که ان شاء الله خدای متعال ایشان و همه‌ی قراء قرآن را مشمول رحمت و مغفرت کند - از این مرد شنیده میشود. بنابراین من خواهش میکنم که آقایان در مسئله‌ی نفس، خودشان را اذیت نکنند. افزودن همین‌طور، تکرار کلمات و آیات پشت سر هم هیچ لزومی ندارد. حالا چون وقت هم دیگر تمام شد و ظاهراً میخواهند اذان بگویند، این کلمه را هم عرض بکنم: خواهش میکنم در تشویق کردن و «الله الله» گفتن - که این هم تقلیدی است از عرب‌ها - حد را مراعات کنند. بعضی‌ها بمجرد اینکه خواننده شروع کرد به خواندن، شروع میکنند پشت سر او ترنم «الله» که مثل اینکه یکی از دنباله‌های لازم خواندن او این است که این طرف بگوید «الله»! هیچ لزومی ندارد. یک وقت شما تحت تأثیر قرار میگیرید یا شدیداً زیبا میخواند یا شدیداً مؤثر میخواند، بی اختیار حالا میخواهید تشویق کنید - تشویق قرآن هم طبق آنچه معمول عربها است، «الله الله» گفتن است؛ البته آنها مخصوص قرآن [هم] نیست؛ آهنگ معمولی را هم که میخوانند الله الله میگویند - این حالا اشکالی ندارد اما اینکه بمجرد قاری شروع کرد به خواندن و ما از اینجا بنا کنیم «الله الله»، هیچ لزومی ندارد. من خواهش میکنم خود شماها و در جلساتی که شماها استاد آن جلسات هستید و شرکت میکنید، سفارش کنید که در گفتن «الله الله» افراط نکنند؛ آنجایی که واقعاً طرف، خیلی خوب میخواند، خیلی زیبا میخواند، آنجا خب اشکالی ندارد تشویق کنند اما اینکه از اول [طوری که] گاهی انسان فقط انتظار دارد که تا گفت «اعوذ بالله من الشیطان الرجیم»، بگویند «الله اکبر» [صحیح نیست] این را به شماها که همه اهل فن تلاوتید، عرض بکنیم که یکی از محسنات جلسه‌ی امسال این بود که اصرار به بلندخوانی و نفس عمیق نشان دادن نبود؛ این خیلی خوب است. قرا اصلاً اصرار نداشته باشند که نشان دهند نفس شان زیاد است؛ نه، این نفس بلند برای آن جایی لازم است که اگر آیه را قطع کنید، معنا خراب می شود؛ آن جاست که نفس بلند خوب است؛ نفسی که به آن بلندی نیست، این جا کم می آورد. البته آن هم راه جبران دارد؛ می بینید که در بین قرای مصری بعضی‌ها درجه‌ی یک هستند، ولی نفسهایشان کوتاه است؛ مثل عبدالفتاح یا بعضی دیگر؛ این عیب اساسی محسوب نمی شود و قابل جبران است؛ یعنی آن استاد فن بلد است که اگر نفسش کوتاه آمد، دنباله‌ی آیه را چه طور بخواند که انگار قطع نشده؛ قشنگ می خوانند؛ خیلی از این قرای قدیمی البته این طورند؛ اما این جدیدی‌ها که حالا هستند و ایران هم زیاد می آیند، اغلبشان مبتلا به همین مرضند؛ مرضِ نفس گیری و بلندخوانی؛ گاهی خودش بال بال می زند؛ اما قطع نمی کند! این هیچ حُسنی محسوب نمی شود؛ فقط حُسنش همان

جایی است که انسان احتیاج دارد به نفس بلند و اگر نفسش کوتاه باشد، کم خواهد آورد؛ خراب می‌کند، که آن هم یک زینتی است؛ خوب است؛ اما در غیر آن هیچ لازم نیست. ببینید کجا بایستی آیه را کوتاه کرد؛ کجا باید وقف کرد؛ کجا بایست با وقف، معنایی را نشان داد یا با تکرار، معنایی را نشان داد و گاهی با یک کلمه، یک معنایی را رساند؛ اینها را باید رعایت بکنید.^۱

مفاهیم و معانی:

قرآن باید ترجمه بشود. من این را به شما عرض میکنم: ما تا امروز، ترجمه‌ی خوب کم داریم؛ دیگر نمیخواهم بیش از این در این مورد عرض بکنم، اجمالاً ما از لحاظ ترجمه‌ی خوب فقیریم؛ بعضی از ترجمه‌هایی که در دسترس است، بهتر است که اصلاً نباشد! مورد اعتماد نیست. البته بعضی بهتر است، بعضی هم که اخیراً در دسترس قرار گرفته، نسبتاً خوب است. قرآن باید با ترجمه‌های متعدد [در دسترس مردم قرار بگیرد]. تعدّد و تکرار در اینجا هیچ ایرادی ندارد؛ کار موازی و تکراری و زیادی نیست. اگر ده ترجمه‌ی خوب قرآن هم داشته باشیم، زیاد نیست؛ هر کسی با مذاق خود، با سبک فکر و سطح معلومات خود خواهد توانست از یکی از آنها استفاده کند؛ منتها باید صحیح باشد. باید اهل فن ببینند، ترجمه ترجمه‌ی صحیحی باید باشد، و این ترجمه را مردم با متن قرآن بخوانند.^۲ متأسفانه ما حجاب زبانی داریم، حجاب لغوی داریم؛ این کمبود ماست. یعنی کمبود ملتهای غیر عرب است. کسانی که زبانشان عربی است، همینطور که قاری تلاوت میکند، اینها که نشسته‌اند، ولو نه به صورت کامل، آن را میفهمند؛ بیان قرآن، بیان فصیح و بلیغ و خیلی والائی است و هرکسی جزئیات این بیان را نمیفهمد. بلا تشبیه مثل گلستان سعدی که انسان آن را مثلاً در جمعی بخواند. خوب، گلستان سعدی فارسی بلیغ است، مردم هم میفهمند؛ اما دقائق و جزئیاتش را فقط ادبا، اهل ذوق و اهل درک بالا میفهمند. حالا این را هزاران برابر بکنید. قرآن اینجوری است. دقائق و لطائف و جزئیات را ممکن است مستمع عرب زبان معمولی نفهمد، اما بالاخره مفهوم این کلمات را میفهمد؛ لذا دلش رقیق میشود؛ لذا در شنیدن تلاوت قرآن اشک میریزد؛ چون موعظه‌ی الهی را درک میکند. این حجابی است که ما داریم و قابل حل هم هست. نبادا کسی خیال کند حالا چه کار کنیم، نمیشود؛ نخیر، این کاملاً قابل حل است. بسیاری از کلمات و لغات قرآنی در زبان فارسی متداول ما تکرار شده است و ما میفهمیم. بنده قدیمها در مشهد، جلسه‌ی قرآن داشتیم، همینطور

مینشستیم، بنده گاهی صحبت میکردم برای آن جوانهای آن روز - آنها البته پیرمردهای امروزند - و به آنها همین را میگفتم؛ مثال میزدیم که مثلاً فرض بفرمائید: «و لنبلونکم بشیء من الخوف و الجوع و نقص من الأموال و الأنفس و الثمرات و بشر الصّابرين». این آیه‌ی شریفه را اگر نگاه کنید، از لغات این آیه، آنچه که یک فارسی زبان نفهمد، فقط دو سه تاست، و الاً بقیه‌ی لغات را میفهمد. حالا مثلاً «لنبلونکم» را باید برایش معنا کنند، اما «شیء» را میداند یعنی چه. خود شما شیء، اشیاء را به کار میبرید. «خوف» را میدانید چیست، «جوع» را میدانید چیست، «نقص» را میدانید چیست، «اموال» را میدانید چیست، «انفس» را میدانید چیست، «ثمرات» را میدانید چیست. اینها چیزهایی نیست که یک فارسی زبان اینها را نفهمد. بنابراین، فهمیدن آیات قرآن، فهم حرفهای رابط و ترکیب کلمات و انس با قرآن و مراجعه‌ی به ترجمه‌ها دشوار نیست.^۱ قرآن‌های ترجمه‌دار، یا دستگاههایی درست کنند که وقتی قاری آیه را می‌خواند، همزمان، ترجمه‌ی آن آیه بر صفحه‌ای نوشته شود و همه آن را ببینند و بتوانند بفهمند؛ یعنی ضمن این که از صوت زیبای قاری لذت می‌برند، از معانی آیات کریمه‌ی قرآن هم لذت معنوی ببرند.

حفظ قرآن:

اگر بشود در این سنین یک قدری به قرآن در این مدرسه بیشتر تکیه بشود، شاید یک دستاورد بزرگی را فراهم بکند؛ مثلاً حفظ قرآن، ولو نه به صورت برنامه - چون شما بیش از برنامه درحقیقت درس دارید و شاید اگر حفظ قرآن به شکل برنامه‌ای باشد، مشکلاتی را ایجاد کند - لکن به شکل یک امتیاز. فرضاً این گفته بشود که اگر مثلاً در این دوره یا در این ثلث یا در این سال، کسی این مقدار قرآن حفظ کرد، این امتیاز را خواهد داشت - یا امتیاز نمره فرضاً یا امتیازهای دیگر؛ [یعنی] دست شما برای دادن امتیازهای مختلف باز است - شاید ما بتوانیم این مسئله‌ی حفظ قرآن را یک مقداری در این مدرسه و بین این گروه جوانهای تازه‌سالمان رشد بدهیم. واقعاً این، یک نقیصه‌ای در حوزه‌های ما است. در بعضی حوزه‌های اهل سنت، از ابتدا شرط آن حفظ قرآن است - که مسبوق هستید - بعضی دیگر هم اگر شرط آن نیست، لکن به حفظ قرآن تشویق میشوند. غالب اهل علم آنها با قرآن انس زیادتری دارند. درحالی که ما در حوزه‌های خودمان طلبه‌هایی را مشاهده میکنیم که درس هم مقداری خوانده‌اند، لکن هنوز به همین قرائت رایج قرآن که ما با آن انس داریم - یعنی قرائت حفص - تسلط ندارند، فضلاً از اینکه قرائات دیگر را بدانند؛ یعنی اشکالاتی در

تلاوتشان هست. علتش این است که سابق، قرآن‌خوانی در مکتب‌خانه‌ها تأمین میشد؛ لذا هر کسی وارد میدان علم و مانند اینها میشد، قرآن را یاد گرفته بود. بعد که مکتب‌خانه‌ها برافتاد و در مدارس جدید هم قرآن‌خوانی به آن شکل شروع نشد، این خلأ باقی مانده. اگر کسی شانس داشته و پدری یا مادری مأنوس به قرآن و عاشق قرآن کنار دستش بودند، یک قرآنی یاد گرفته یا دوره‌ی قرآنی رفته؛ [اما] اگر کسی این شانس را نداشته باشد، اگر وارد حوزه شد، حوزه به او [آموزش] قرآن نخواهد داد؛ یعنی به اصطلاح ظواهر قرآن و متن قرآن و آموزشهای ابتدائی قرآن را از حوزه فرانخواهد گرفت. حالا گیرم فقهی که میخواند، بالاخره فقه قرآن است و محصول قرآن است - یا معارف یا فلسفه یا هرچه - لکن متن قرآن را [فرانمیگیرد]. حالا اگر در این مدارس - که حالا شما شروع کرده‌اید و این بنای مبارک را پایه‌گذاری کرده‌اید - بشود این کار را شروع بفرمایید که این جوانها با قرآن [مأنوس بشوند] - حالا شاید با قرآن انس پیدا میکنند؛ نمیدانم - و بخصوص حفظ قرآن را بتوانند اینجا تأمین کنند، خیلی چیز مهمی خواهد بود.^۱

تشویق به حفظ از سنین کودکی و دوران تحصیلی

بچه‌ها را از سنین کم وادار به حفظ قرآن کنید. اصلاً جلسه بگذارید و ترتیبی بدهید که بشود بچه‌ها را از کوچکی در دبستان وادار به حفظ قرآن کنند - البته مجبورشان نکنند - جایزه قرار بدهند و مثلاً بگویند هر بچه‌یی که در دوره‌ی دبستان، این قدر از قرآن را حفظ بکند، این مقدار امتیاز خواهد گرفت؛ یا اگر کسی در دبیرستان، این مقدار قرآن را حفظ کند، به قدر این واحدها یا این درسها، نمره یا امتیاز مادی میدهیم.^۲

حفظ قرآن است. برادران! شماها چرا قرآن را حفظ نمیکنید؟ شماها جوانید. واللّه مکرر اتفاق افتاده که با خودم فکر کرده‌ام و گفته‌ام که اگر ممکن باشد، هرچه دارم، بدهم و حفظ قرآن را بگیرم؛ ولی افسوس که ممکن نیست. در این سن، من دیگر نمیتوانم قرآن را حفظ کنم؛ اما شما جوانید، شما بچه‌اید و میتوانید حفظ کنید. حافظه‌ی شما، حافظه‌ی جوانی است. سنین بیست و پنج ساله و سی ساله و زیر سی سال - که غالب قرّاء ما بحمدالله در این سن هستند - سنین حفظ قرآن است. کلام خدا و آیات کریمه‌ی الهیه را حفظ کنید و از حفظ بخوانید.^۳

۱ - ۱۳۶۸/۱۲/۱۱

۲ - ۱۳۶۹/۱۲/۱

۳ - ۱۳۷۰/۱/۲۲

من عقیده‌ام این است که حفظ قرآن باید از بچگی شروع بشود؛ یعنی حدوداً از دوازده سالگی، سیزده سالگی؛ «التَّعَلُّمُ فِي الصَّغَرِ كَالنَّقْشِ فِي الْحَجَرِ»^۱.

حفظ قرآن است. حفظ قرآن یک نعمت بزرگ است. این جوانها و نوجوانها سن توانائی حفظ را قدر بدانند. شماها در سنی هستید که میتوانید حفظ کنید و در ذهنتان بماند. ما هم میتوانیم حفظ کنیم؛ در سنین ما هم میشود؛ اما خیلی ماندگار نیست؛ زود از ذهن ما میرود. اینطور نیست که در سنین امثال بنده نشود حفظ کرد؛ چرا؟ سنین بالاتر از ما - یعنی سنین هفتاد و پنج، هشتاد - میشود حفظ کرد. من شنیدم مرحوم آیت‌الله خوئی در همین سال‌های آخر عمر قرآن را حفظ کرده بود. خیلی مهم است؛ پیرمرد مثلاً هشتاد ساله قرآن را حفظ کند! میشود حفظ کرد، اما ماندگار نیست؛ از ذهن زائل میشود. اگر شما در دوره‌ی جوانی و بخصوص در دوره‌ی نوجوانی؛ یعنی از سن همین نوجوانهایی که اینجا برای ما تلاوت کردند یا بالاتر از اینها، قرآن را حفظ کنید، این یک سرمایه و ذخیره‌ای برای شماست. و امکان تدبیر در قرآنی که در حفظ انسان هست، بمراتب بیشتر از امکان تدبیر برای کسی است که قرآن را حافظ نیست. گاهی انسان یک آیه‌ای را در قرآن نگاه میکند، مثل اینکه هرگز این آیه را تلاوت نکرده؛ اما کسی که حافظ هست، چنین چیزی برایش پیش نمی‌آید.^۲ جوانها، دوره‌ی جوانی را، قدرت حفظ را قدر بدانند. خانواده‌ها به کودکان خودشان حفظ قرآن را تشویق کنند، آنها را وادار کنند. حفظ قرآن خیلی باارزش است.^۳ ما که در یک جامعه‌ی بزرگ و در یک کشور پهناور زندگی میکنیم، بایستی هزاران نفر حافظ قرآن داشته باشیم. کسانی که در سنین بالا هستند، شانس حفظ کردنشان کمتر است؛ اگرچه شانسشان منتفی نیست. البته بعضیها وقت نمیکند؛ اگر وقت میکردند، میتوانستند تجربه و آزمایش کنند. من خودم وقت نمیکنم؛ والا در همین سن هم شروع به حفظ قرآن میکردم. جوانان این را بدانند که حتی در سنین ما اگر وقت و مجال بود، جا داشت و بهتر بود که کسی برای حفظ قرآن صرف وقت میکرد؛ در سنین جوانی این کار لازم است.^۴

۱ - شرح نهج البلاغه، ج ۱۶، ص ۶۶

۲ - ۱۳۷۰/۱۱/۳ - ۲

۳ - ۱۳۸۶/۶/۲۲ - ۳

۴ - ۱۳۸۹/۴/۲۴ - ۴

۵ - ۱۳۷۰/۱۲/۲۷ - ۵

یاد دادن نکات لازم و مفید در راهکارهای حفظ

من در برنامه‌های این دو سه روز که پخش شد، دیدم بچه‌های کوچک ما قرآن را با خصوصیات آیه، سوره، صفحه به صفحه و خط به خط حفظ کرده‌اند. بسیار کار جالبی است. بسیار زیباست. واقعاً باید از پدران و مادران این بچه‌ها تجلیل کرد. بسیار اهمیت دارد که انسان این‌طور با نوجوان خودش کار کند و او را این‌گونه بار بیاورد. اینها میماند.

البته من یک تذکر هم بدهم: ذهن این بچه‌ها را با اعداد رایانه‌ای پر نکنید. ما چه کار داریم که فلان سوره چند حرف دارد؟ روزگاری این‌گونه مسائل لازم بود. روزگاری که خوف تحریف وجود داشت، لازم بود عدد کلمات و عدد حروف، محفوظ باشد. امروز قرآن، هزاران چاپ شده است. چه کسی جرأت دارد یک حرف از قرآن کم یا زیاد کند؟ این کارها امروز لازم نیست. به جای این کارها، بگویید حفظ کنند که در خواتیم آیات، تعبیرات مثلاً «و هو السميع العليم» چند جا در فلان سوره آمده است. سمیع یا علیم یا قدیر؛ چند تا از اینها با هم آمده است. کدام یک با هم آمده است. اینها خوب است. اینها را حفظ کنند. اینها در فهم معانی آیات تأثیر میگذارد. ببینند در آیات مثلاً اول این سوره تا آخر سوره، چند بار کلمه وحی آمده است. مثلاً در چند آیه به پیامبر اشاره شده است که این قرآن به‌سوی تو وحی میشود. مثلاً نکات مکرر در سوره - هر سوره‌ای را که میخواهد بخواند - استخراج شود. فرض بفرمایید این آیات مربوط به سوره «فصلت» است. در این سوره راجع به وحی مکرراً صحبت شده است. نوجوان این نکات را استخراج و حفظ کند. اینها مهم است. این که چند حرف است یا صفحه چندم است، مهم نیست. ما که قرآن با چاپ واحد نداریم؛ صدها چاپ قرآن داریم. آغاز یک سوره در این قرآن، صفحه ۳۲۵ است، اما در قرآن دیگر ممکن است صفحه ۱۰۰ باشد. لذا باید به بچه‌ها نکات لازم و مفید که آنها را به فهم مفاهیم قرآن نزدیک میکند، یاد دهید تا مثل نقشی که در سنگ میماند، تا آخر عمر در ذهنشان بماند و مایه برکت شود.^۱

انس باقرآن

انس در اوقات فراغت

من در مشهد جلسات تفسیر و درس قرآن داشتم؛ به جوانانی که می‌آمدند، میگفتم که هر کدام از شماها یک نسخه‌ی قرآن در جیب بغلتان داشته باشید؛ اگر در جایی منتظر کاری می‌ایستید و فراغتی پیدا میکنید

- یک دقیقه، دو دقیقه، پنج دقیقه، نیم ساعت - قرآن را باز کنید و به تلاوت آن مشغول شوید، تا با این کتاب انس پیدا کنید. تعدادی که این طور عمل کرده بودند، هرچند بسیار اندک بودند، لیکن احساس میکردم که اینها با این که غالباً هم عربی نمیدانستند، اما از لحاظ فهم معارف اسلامی، از دیگران برجسته‌تر بودند و به طور ممتازی با آنها تفاوت داشتند. ما در طول هشت سال جنگ، زیر آتش توپ و تفنگ، جوانانی را در جبهه‌ها داشتیم که به مجردی که بر زمین مینشستند و اندک فراغت پیدا میکردند، قرآنشان را باز میکردند و مشغول تلاوت میشدند؛ یا مثلاً اگر در اتوبوس و یا کامیون نشسته بودند و داشتند میرفتند، قرآنشان را درمیآوردند و بنا میکردند به خواندن.^۱

انس در فضای خانواده

این رابطه را روزبه‌روز با قرآن بیشتر کنید؛ در خانواده‌ها عطر قرآن را در فضا منتشر کنید؛ قرآن را بخوانید و بخوانید. در خانه‌ها قرآن بخوانید. حتی در هنگام بیکاری، چنانچه مختصر فراغت پیدا میکنید، خودتان را به قرآن وصل کنید. هر روز مقداری قرآن بخوانید و آن را فرا بگیرید.^۲

اصلاً بهتر این است که همه‌ی مردم ما انسشان با قرآن به گونه‌ی باشد که آیات قرآن به گوششان آشنا باشد؛ وقتی آیه‌ی را میخوانند، صدر و ذیل و قبل و بعد آیه برایشان آشنا باشد.^۳

انس دائمی و تلاوت روزانه

ما در ماه مبارک رمضان که ماه تلاوت قرآن و ماه نزول قرآن و ماه جلسات است و ما هم که این جلسه را داریم و جلسات فراوانی هم در مساجد و محافل گوناگون است، ماه رمضان که تمام شد، قرآن را ببندیم و ببوسیم و بگذاریم کنار. این نباید اتفاق بیفتد. قرآن را بایستی از خودمان جدا نکنیم. دائم باید با قرآن مرتبط و مأنوس باشیم. حالا در روایات دارد که هر روز لا اقل پنجاه آیه‌ی قرآن بخوانید. این، یکی از معیارهاست. اگر نتوانستید، روزی ده آیه‌ی قرآن بخوانید؛ نگوئید سوره‌ی حمد را میخوانم و این چند آیه‌ی سوره‌ی حمد با چند آیه‌ی سوره‌ی قل هو الله - یک رکعت - میشود همان ده آیه‌ای که فلانی میگوید. نه، غیر از آن قرآنی که در نماز میخوانید - چه نماز نافله، چه نماز فریضه - قرآن را باز کنید، بنشینید، با حضور قلب، ده آیه، بیست آیه، پنجاه آیه، صد آیه بخوانید.^۴

۱- ۱۳۷۰/۱۱/۳

۲- ۱۳۷۰/۱۱/۱۷

۳- ۱۳۷۰/۱۲/۲۷

۴- ۱۳۸۶/۶/۲۲

انس در فضای مدرسه

در آموزش و پرورش باید تلاوت قرآن آنچنان به جوانها تعلیم داده بشود - ولو آیات برگزیده و انتخاب شده - که جوان ما که در کودکی این آیات را فرا گرفته، تا آخر عمر در همهی مواقع، این آیات مثل یک تابلویی جلوی چشم او باشد؛ در مواقع مختلف از آنها استفاده کند.^۱

این تلاوت خوب، صدای خوب، ترتیب مجلس‌آرائی خوب - که بحمدالله میبینم این خوانندگان ما در مجلس‌آرائی قرآنی تدریجاً ماهر و مسلط شده‌اند - چیزهای باارزشی است؛ فایده‌اش این است که ما را با قرآن، با معارف قرآنی، با معانی قرآنی آشنا میکند.^۲

ترویج قرآن

نقش تلاوت قرآن در ترویج قرآن:

الف: القاء مفاهیم و مضامین قرآن

و آن چیزی که همیشه وقتی به یاد شماها - یعنی قراء - می‌افتم، برای من اهمیّت پیدا میکند، یک نکته است؛ و آن این است که شماها نقش زیادی دارید در توجّه دادن مستمعین خودتان به مضامین قرآن. واقعاً آن چیزی را که مردم احتیاج دارند از قرآن بفهمند، شما میتوانید به آنها القا کنید و تلقین کنید. چقدر خوب است که برخی از آیات کریمه‌ی قرآن که مناسب حال امروز مسلمین است، در تلاوتهای شما کثیرالتردد باشد. البته همهی آیات قرآن را مردم محتاجند، لکن بعضی از اینها امروز واقعاً مورد توجّه شدید و دائمی مردم بایستی باشد: توکل به خدا، نترسیدن از دشمنان خدا، مجاهدت در راه خدا، امید به فضل و کمک و اعانت الهی، بخصوص وحدت مسلمین، و از این قبیل چیزها که در آیات کریمه‌ی قرآن بحمدالله مضامین فراوانی دارند. اگر شما اینها را در تلاوت های تان و در اجتماعات تان بخوانید و یک قدری مردم به این مضامین توجّه پیدا کنند، خیلی خدمت بزرگی است. یک آیه را که شما خوب میخوانید، گاهی از یک ساعت سخنرانی که یک نفری درباره‌ی آن آیه بکند، بیشتر ارزش دارد، یعنی این واقعاً یک انقلابی در روح ایجاد میکند. و شکر هر نعمتی عبارت است از اینکه انسان آن نعمت را در جای خودش مصرف کند؛ و شکر این صدای خوب و این نفّس قوی و این آشنایی با رموز تلاوت، همین است که من گفتم.^۳

۱ - ۱۳۸۷/۶/۱۲

۲ - ۱۳۹۰/۵/۱۱

۳ - ۱۳۶۸/۱۲/۱۱

ب: اهمیت قله‌های قرآنی

البته در هر جامعه‌یی، اگر ما بخواهیم رسمی را رواج بدهیم (کسانی که در فلسفه‌ی این خواندن‌ها و این تشویق‌ها تردید دارند، این نکته را توجه کنند) باید از آن رسم، نقطه‌های اوجی در این جامعه داشته باشیم؛ و الاً این رسم رواج پیدا نخواهد کرد. ممکن نیست شما در جامعه‌یی بگویید که مثلاً همه‌ی مردم باید روزی ده دقیقه نرمش و ورزش کنند؛ اما رسم پهلوانی را در این جامعه بکلی براندازید. این طور نمیشود. مردم ورزش نخواهند کرد. حرکت عمومی، فقط با استدلال و بیان و اثبات عقلانی که نیست؛ چیزهای دیگری هم در کنارش لازم است. احساسات و تشویق‌ها و ایجاد شوق به قله‌ها لازم است. لذا ما باید قله‌هایی را داشته باشیم، تا همه‌ی مردم به دامنه‌ها برسند. پس، اگر می‌خواهیم همه‌ی مردم در قرآن اوج پیدا کنند، باید قله داشته باشیم. قله، یعنی همین شماهایی که امروز در این جا بحمدالله بعضی تلاوت کردید و اکثراً تلاوت نکردید.^۱

آنچه که وظیفه‌ی قراء است، این است که قرائت را روزبه‌روز بهتر کنند. ما به عموم مردم می‌گوییم که با قرآن انس بگیرند؛ به شما قراء هم می‌گوییم که تلاوتتان را روزبه‌روز بهتر، قوی تر، صحیح تر و با خصوصیات جاذبه‌آفرین همراه تر بکنید

ما اگر بخواهیم کل امت با قرآن انس بگیرند، باید تلاوت قرآن را در جامعه باب کنیم. اگر من این قدر به خواندن شما قاریان عزیز تکیه میکنم و به آن اهمیت میدهم، برای همین است. شما یک نفر آدمید، می‌خوانید، هرچه هم خوب بخوانید یا نخوانید، از یک جهت به خودتان مربوط است؛ اما آن چیزی که من را وادار میکند که به این مسأله این همه اهتمام بورزم، آن است که اگر تالیان کلام‌الله در جامعه توانستند با زمزمه‌ی ملکوتی و صحیح و پُر جاذبه، این آیات کریمه را تلاوت بکنند، دل مردم با قرآن انس می‌گیرد و به قرآن نزدیک میشود. مردم ما برای ارتباط با قرآن آماده هستند. مردم ما با مردم کشورهای دیگر اسلامی فرق دارند. مردم ما در راه قرآن صادقانه مجاهدت کردند؛ شوخی نیست. این قدر ما جوان دادیم، این قدر مردم ما رنج و زحمت متحمل شدند. همه‌ی اینها در راه قرآن بوده است. شما کجا در کشورهای اسلامی می‌بینید که یکی از این آقایان قراء بروند آن جا تلاوت کنند، و این قدر جوان عاشقانه پای تلاوتشان بنشینند؟ این، عشق مردم ماست. حالا آن کس که می‌خواهد این عشق قرآنی را درست به سمت انس حقیقی با قرآن دعوت کند، کیست؟ او، شما قاری قرآن هستید.

ج: تلاوت های مجلسی

آداب تلاوت مجلسی را فرا بگیرید. فرض کنید عده‌بی از این مردم و مسلمین حزب‌الله در جایی نشسته‌اند و از شما دعوت کرده‌اند که برایشان قرآن بخوانید. دأب و فکر من این است و می‌خواهم در جامعه‌ی ما کاری بشود که برای قراء قرآن ممنبر بگذاریم و همچنان که الان وعاظ منبر می‌روند، قاریان قرآن هم منبر بروند و مثلاً نیم‌ساعت قرآن بخوانند و مردم آن زلال کلام الهی را مستقیم از او بشنوند و دل‌هایشان بلرزد و اشک بریزند و موعظه بشوند و بلند شوند و بروند؛ ولی ما حالا قرآن کریم را فقط مقدمه‌ی سخنرانی قرار داده‌ایم!

من در سالهای ۵۱ و ۵۲ و ۵۳ در مشهد سخنرانی می‌کردم؛ می‌ایستادم سخنرانی می‌کردم. بعد هم که حرف من تمام میشد، روی زمین مینشستم. سپس صندلی می‌گذاشتیم، تا قاری قرآن تلاوت کند. همین آقای فاطمی و بعضی از برادران دیگر، روی صندلی می‌نشستند و قرآن می‌خواندند. من می‌گفتم که حرف من مقدمه‌ی تلاوت قرآن است. من ایستاده صحبت می‌کردم؛ اما صندلی بلند و قشنگی - مثل منبر - گذاشته بودیم و اینها روی آن مینشستند و بعد از صحبت من قرآن می‌خواندند؛ همان آیاتی که من قبلاً تفسیر کرده بودم. فکر من این است.

من می‌گویم که در جامعه، قرآن اصل است. امت حزب‌الله باید یواش‌یواش با قرآن آشنا بشوند؛ آن‌طوری که بتوانند مستقیم قرآن را از شماها گوش کنند و بفهمند. شما باید بتوانید در یک مجلس بالای منبر بروید، آیات قرآن را بخوانید و مردم با شنیدن این آیات اشک بریزند؛ ما این را می‌خواهیم. اگر شما میخواهید این کار را بکنید، باید بتوانید با صوت خودتان این مجلس را جذب کنید.^۱

من یکوقت به این ائمه‌ی جماعتی که در بعضی از کشورهای عربی و اسلامی، آیاتی را در قرائت نماز انتخاب میکنند، گفتم آیاتی را انتخاب بکنید که میتواند در سرنوشت ملت های اسلامی به طور ویژه اثر بگذارد.^۲

من غالباً به این برادرانی هم که در تهران مشغول هستند و همین گروه‌های تواشیح و همخوانی را دارند - که انصافاً هم بسیار خوبند - گفتم که این قرآن‌خوانی مشترکی که شماها دارید، خیلی عالی است؛ واقعاً در دنیا کم‌نظیر است که این‌طور هفت، هشت نفر با هم همخوانی دارند؛.

بنده اعتقاد قاطع این است که ما اگر بخواهیم قرآن در ذهنیت و فضای جامعه جا بیفتد، باید تلاوت گر قرآن زیاد داشته باشیم؛ به این خاطر ما دنبال تلاوت قرآن هستیم. این آهنگ های قرآنی دلها را متوجه قرآن میکند؛ صداهای خوش را باید در این چیزها استخدام کرد. هیچ مضمونی از مضمون کلام خدا شایسته‌تر نیست، برای این که در صدای خوشی جا بگیرد و صدای خوش حامل این کلام و بیان بشود؛ این از هر شعر و سخن ادیبانه‌یی بالاتر است.^۱

وقتی قرآن خوب تلاوت شد، خوب هم استماع خواهد شد. وقتی هم خوب استماع شد، دلها به مفاهیم آن نزدیک خواهد شد. لذا خیلی مهم است که جوانان ما قرآن خوان شوند و بتوانند با صداهای خوش، قرآن بخوانند.^۲

اگر بخواهیم همه قرآن را بیاموزند، عده‌ای باید در اوج قرار گیرند - مثل همه چیز دیگر - همین طور که اگر بخواهید ورزش، همگانی شود، بایستی عده‌ای قهرمان را جلو چشم مردم نگهدارید. اگر بخواهید قرآن در خانه‌ها، بین بچه‌ها، بین بزرگها، بین زنها و مردها رواج پیدا کند، بایستی قهرمانان قرآنی را احترام کنید. این است که ما به اینها احترام میکنیم. اینها حامل قرآند، اینها عزیزند. زبان اینها عزیز است، لبها و دلهای اینها عزیز است؛ چون با قرآن مأنوس است.^۳

مسأله تلاوت قرآن که ما این قدر به آن اهمیت میدهم، صرفاً مایه سرگرمی و هنرنمایی نیست، بلکه وسیله‌ای برای دست یافتن به فضای قرآنی در کل جامعه است و این کاری است که قراء خوب ما با استفاده از صدای خوش و بهره‌گیری از شیوه‌های هنری تلاوت و نیز استفاده از تجوید و توانایی خوب در ادای حروف، کلمات و جملات آیات قرآن کریم، به آن دست می‌یابند.

امروز ما می‌خواهیم فضای قرآنی داشته باشیم؛ باید به قرآن برگردیم. تقویت حرکت مذکور به این است که شما قراء بتوانید قرآن را با صدا و شیوه خوب و زیبا بخوانید. اهمیت دادن به این جلسات برای همین است که اهمیت فراگیری تلاوت در جامعه روشن شود، و الاً به اندازه‌ای که در این جا قرآن خوانده میشود، انسان میتواند چند برابر آن را به تنهایی بخواند.^۴

۱- ۱۳۷۰/۱۲/۲۷

۲- ۱۳۷۱/۱۲/۱۷

۳- ۱۳۷۷/۹/۱

۴- ۱۳۸۲/۸/۶

بارها عرض کرده ایم که تلاوت قرآن به شکل ممتاز و با صدای خوش و با آهنگ درست و خوب، مشوق گرایش عمومی به قرآن با دلها و جانها و فکرهاست. این تفنن نیست؛ این یک کارزاید و تشریفاتی نیست. اگر درست بفهمیم چه کار داریم می‌کنیم، این یک حرکت منطقی و قدم استواری است در راه همه گیر شدن فهم و معرفت قرآن.^۱

البته من این قهرمان‌های قرآنی را خیلی دوست دارم و به این شخصیت‌های قرآن‌خوان خیلی علاقه و ارادت دارم؛ اینها کسانی هستند که قرآن را برای ما - برای ذهن، دل و جان ما - مجسم میکنند. این خواندن خوب - که ما این همه تشویق میکنیم - مفاهیم را مشخص میکند. قرآن خواندن خوب، که با صوت خوب و با نغمه‌ی خوب و با توجه به معانی انجام بگیرد، مفاهیم قرآن را جلوی انسان مجسم میکند؛ انسان را به عمل نزدیک میکند؛ انسان را با معرفت قرآنی نزدیک میکند.^۲

من بارها گفته‌ام، باز هم می‌گویم: ما تلاوت برجسته‌ی قرآن را در این کشور دنبال میکنیم، برای این که انس با قرآن و تلاوت قرآن در بین مردم عمومیت پیدا کند.^۳

محافل استماع قرآن

یاد بگیریم که جلساتی داشته باشیم، فقط برای شنیدن کلام‌الله. جلسه زیاد هست، لیکن احتیاج هست در میان مردم ما - که قلباً علاقه‌مند به قرآنند - جلساتی باشد، فقط برای شنیدن. غیر از جلسه‌ای که در آن، جوان ما، نوآموز ما، روخوانی قرآن را فرا میگیرد، یا تجوید را یاد میگیرد، یا قرائات مختلف را تعلیم می‌بیند، خواننده‌ی قرآن، تالی قرآن بیاید بنشیند و همین‌طور که ما پای یک منبر جمع میشویم، پای یک مداحی جمع میشویم و به آن گوش میدهم، پای تلاوت قرآن جمع بشویم و به آن گوش بدهیم و از آن بهره ببریم. همه‌ی این حرفهای ما، استدلال‌ها و برهان‌ها و خطابه‌ها و لفاظی‌ها و حرّافی‌ها و شعرها و تره‌های ما - اگر درست باشند - فروعند. اصل، کلام خداست؛ وحی الهی است. این الفاظ پاکیزه و مقدسی است که از غیب بر قلب مقدس پیغمبر نازل شد و پیغمبر اینها را در اختیار ما گذاشت.^۴

۱ - ۱۳۸۳/۷/۲۵

۲ - ۱۳۸۳/۶/۲۶

۳ - ۱۳۸۴/۷/۱۴

۴ - ۱۳۸۷/۶/۱۲

بارها هم عرض شده است که این جلسات و این ترغیبها به تلاوتهای خوب، مقدمه است برای اینکه جامعه‌ی ما انس با قرآن پیدا کند. از بیگانگی با قرآن که سالهای متمادی و طولانی کشور ما و ملت ما دچار آن بوده است، نجات پیدا کند، به قرآن نزدیک بشود؛ این تدریجاً دارد پیش میرود.^۱

ما حافظ قرآن کم داریم. من قبلاً گفتم که در کشور ما حداقل باید یک میلیون نفر حافظ قرآن باشند - حالا یک میلیون که عدد کمی است نسبت به این جمعیتی که ما داریم - اما حالا چون دوستان الحمدلله یک مقدماتی فراهم کرده‌اند، کارهایی را مشغول شده‌اند و دارند برنامه‌هایی را فراهم میکنند برای اینکه ان شاء الله حفظ راه بیفتد، ما هم امیدمان بیشتر شده و به جای یک میلیون، می‌گوئیم ان شاء الله ما باید ده میلیون نفر حافظ قرآن داشته باشیم.

شما تصور کنید در کشور ما ده میلیون، پانزده میلیون کسانی باشند از مردان و زنان که اینها با معارف قرآن آشنا باشند، ببینید این چقدر با ارزش است. آموزش‌های قرآنی را، درسهای قرآنی را، نصایح قرآنی را، اندازهای قرآنی را، بشارتهای قرآنی را در ذهن داشته باشند، آنها را مرور کنند، آنها را بر دل خودشان فرا بخوانند؛ اصلاً یک ملت پولادینی به وجود می‌آید. خوشبختانه زمینه‌هایش فراهم است. امروز هم عزم و اراده‌ی ملت ما عزم پولادینی است. اما آن ساخت قرآنی جامعه در آن صورت به دست خواهد آمد، که ما امیدواریم ان شاء الله این پیش بیاید.^۲

یقیناً هر یک از این جلساتی که برای قرآن و تلاوت قرآن تشکیل میشود و عندلیبان قرآنی در آن نغمه‌سرایی میکنند، تأثیر بسزائی در تعمیق ایمان و عشق و محبت ما به قرآن دارد.^۳

این مسابقات و این جلسات بهانه است برای مطرح شدن قرآن و نزدیک شدن به حقیقت قرآن و روح قرآن.^۴

گفتمان سازی معارف قرآنی

معارف قرآنی وجود دارد، این معارف باید تبدیل بشود به گفتمان‌های عمومی در بین مردم؛ آن قدر تکرار بشود، آن قدر کار بشود، آن قدر درباره‌اش تحقیق بشود، آن قدر بنویسند، آن قدر شعرا و ادبا و هنرمندان درباره‌ی آن کار هنری بکنند که اینها بشود جزو واضحات و بینات جامعه‌ی اسلامی؛ البته این نشدنی

۱ - ۱۳۸۸/۵/۳۱

۲ - ۱۳۹۰/۵/۱۱

۳ - ۱۳۹۱/۴/۳۱

۴ - ۱۳۹۲/۳/۱۸

نیست، دور از دسترس هم نیست، خیال نکنند که حالا این کارها را اگر بخواهیم بکنیم، صد سال طول میکشد؛ نه، اگر اهل دل و اهل دین همت بکنند، این کارها خیلی زود تحقق پیدا میکند؛ باید این جور دنبال قرآن رفت.

کسانی که علاقه‌مند به قرآنید و متولّی امور قرآنید، این رشته را رها نکنید، این کار را به‌طور جدّی دنبال کنید؛ نگوئید حالا به اینجا رسیدیم، خب دیگر تمام شد؛ نه، کارِ درباره‌ی قرآن، کارِ برای قرآن تمام‌شدنی نیست؛ خیلی باید تلاش کنیم، خیلی باید کار کنیم؛ همه تلاش کنند، همه کار کنند؛ با قرآن انس بگیریم. همه‌ی خانواده‌های ما، جوانهای ما، مردم ما بایستی با قرآن مأنوس بشوند. این حفظ قرآن مایه‌ی انس با قرآن است، تکرار این جلسات مایه‌ی انس با قرآن است. این انس با قرآن منافع زیادی دارد، فواید زیادی دارد؛ همان آشنایی با آن معارف را ان‌شاءالله به ما خواهد داد.^۱

پایگاه نَمُو

www.nomov.ir